

معرفی های اجمالی

معجم شعراء الشيعة، عبدالرحيم الشيخ محمد الغراوى، مؤسسة الكتاب، بيروت، ٥٠ ص، ٥٠٠ هـ، وزيرى.



شعر و ادب در تاریخ تشیع از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده است و شاعران شیعه از آغاز در دفاع از ولایت و جاودانگی غدیر، کربلا، مهدویت و ... نقش بسزایی داشته‌اند. حضرات معصومین (ع) به مقام شعر و ادب ارج بسیار نهاده‌اند و در نواختن شاعران هیچ کوتاهی نکرده‌اند به ویژه حضرت علی (ع) که دارای کمال فصاحت و بلاغت بوده بهره‌ای از شاعری داشته‌اند.

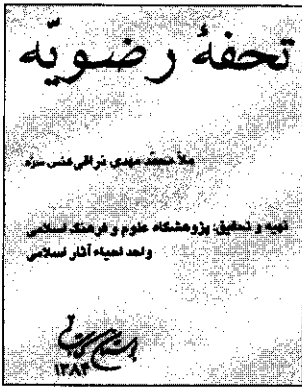
تاریخ شاعران شیعه به صورت پراکنده در منابع گوناگون ثبت گردیده است از جمله اعیان الشیعه، الذریعه، نسمة السحر، ریحانة الادب، روضات الجنات، الغدیر، تذکره شعرائی غدیر، شعرا الغری، ادب الطف او شعر الحسین (ع)، معجم شعراء الحسین (ع)، تاریخ شاعران عرب زبان شیعه و به صورت تخصصی در مصادر ذیل:

١. نسمة السحر بذكر من تشیع و شعر، تألیف سید شریف

ضیاء الدین یوسف بن یحیی الحسنى (١٠٧٨ - ١١٢١ ق) که با تصحیح کامل سلمان الحَبَّوری به سال ١٤٢٠ ق در دارالمورخ العربی بیروت و با تصحیح دکتر احمد مهدوی دامغانی در سال ١٣٧٩ ش از سوی مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه به طبع رسیده است؛ ٢. الطلیعه من شعراء الشیعه، تألیف شیخ محمد السماوی (١٢٩٢ - ١٣٧٠ ق) که دارالمورخ عربی در بیروت آن را با تحقیق کامل سلمان الحَبَّوری در سال ١٤٢٢ ق در دو جلد به چاپ رسانده است؛ ٣. معجم شعراء الشیعه، که عبدالحسین شیبستری در قم به سال ١٤٢١ ق و در قم در پنج جلد منتشر کرده است؛ ٤. اخبار شعراء الشیعه، تألیف ابی عبیدالله محمد بن عمران المرزبانی (متوفی ٣٨٤ ق) به تحقیق دکتر محمدهادی امینی در سال ١٣٨٨ ق در نجف به چاپ رسیده است؛ ٥. اخبار شعراء الشیعه، از ابن طی یحیی بن ظافر غسانی جلیبی (٥٧٥ - ٦٣٠ ق) که در الذریعه ١١ / ٤ آورده شده است؛ ٦. الموسوعة الشعریة، سیدمحمد رضا ابن الرسول، آینه پژوهش، ش ٨٨، ص ٤٤.

فرهنگ صد جلدی معجم شعراء الشیعه به دست استاد شیخ عبدالرحیم الغراوی تدوین شده است. این موسوعه به معرفی شرح حال و آثار شاعران عرب زبان شیعه می‌پردازد که از قرن اول تا عصر حاضر در ساختار زبان و ادبیات عرب نقش داشته و میراث ادبی تشیع را حفظ کرده‌اند. از این مجموعه صد جلدی طی سال‌های ١٤١٧ تا ١٤٢٤ ق پنجاه جلد را انتشارات مؤسسه الکاتب لبنان به طبع رسانده و پنجاه جلد دیگر در شرف طبع قرار دارد. در این فرهنگ مانند سایر معاجم عربی نام کوچک شاعر به ترتیب حروف الفبا تدوین شده است و در بخش تراجم به شرح حال شاعران، تحصیلات، مدارج علمی و اساتید و ... می‌پردازد. در بخش دیگر به کتاب‌شناسی شاعران و طبعات آثار

تحفه رضویه. ملا محمد مهدی نراقی (قدس سره)، تهیه و تحقیق: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، واحد احیاء آثار اسلامی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴، ۶۲۳ ص، وزیری.



این کتاب اثر ملا محمد مهدی بن ابی ذر نراقی، ادیب، عارف، فقیه، حکیم و ریاضی دان مشهور قرن دوازدهم ق است که به پشتوانه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و به همت جناب آقای سید خلیل عابدینی، پژوهشگر واحد احیاء آثار اسلامی تهیه و تحقیق گردید و در ۱۳۸۴ از سوی مؤسسه بوستان کتاب در ۶۲۳ صفحه در قطع وزیری به چاپ رسید.

واحد احیاء آثار که به ادعای آنچه در «سخنی با خواننده» آمده است برای حفظ و بازشناسی میراث علمی بر جای مانده از پیشینیان و معرفی آن به جامعه علمی و پژوهشی و نسل های حال و آینده فعالیت می کند این اثر را که نویسنده آن از جایگاه خاصی برخوردار بوده و به پاسخگویی به نیازهای عصر خود پرداخته است، در دستور کار قرار داده است.

کتاب پس از فهرست اجمالی و سخنی با خواننده، مطلبی تحت عنوان «کتاب شناخت تحفه رضویه» دارد که در آن محقق معرفی کوتاهی از مؤلف و کتاب می آورد و در آخر در یک صفحه به شیوه تصحیح کتاب می پردازد و به دنبال آن چند صفحه از تصاویر متن اصلی را آورده است تا نوع و میزان عملیات خویش در ساماندهی کتاب را نشان دهد. به دنبال این مقدمات متن اصلی کتاب قرار گرفته است.

مؤلف پس از سپاس خداوند و درود بر پیامبر و آل او به انگیزه تألیف کتاب و علت نام گذاری آن پرداخته و می نویسد: که این رساله ای است در بیان مسائل ضروری طهارت و نماز که علم به آن بر هر یک از افراد مکلفین واجب و لازم است، که نظر به التماس جمعی از اهل دیانت و سداد و طالبین زاد معاد به رشته تحریر و تألیف کشیده شد، در حین شرفیابی تقبیل عتبه علیه علیه و سده سنیه متعالیه جناب فخر اولیا و سرور اتقیاء حضرت علی بن موسی الرضا، علیه و آباءه و اولاده افضل التحیه و الثناء و

و در نهایت نمونه ای از بهترین آثار سروده شده اشاره می شود. تحقیقات این دائرة المعارف بزرگ به سبک سنتی و به صورت کتابخانه ای و میدانی و نامه نگاری های مؤلف به اقصی نقاط جهان انجام شده است. از جمله امتیازات این دائرة المعارف استفاده از منابع تراجم و کتاب شناسی و تحقیق در دیوان ها و مجموعه های اشعار شاعران شیعه می باشد و دیگر این که مؤلف با پژوهش میدانی، مکاتبه، مراجعه حضوری در تدوین و تکمیل مدخل ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. آنچه حائز اهمیت است این که استاد غراوی این مجموعه را در زمان خفقان حکومت بعث در شهر سامرا با حداقل امکانات و با وجود کهولت سن و بیماری انجام داده است. خلاصه ای از زندگی نامه مؤلف محترم را که خود از شاعران صاحب دیوان می باشد در جلد هفدهم این معجم مرور می کنیم:

«استاد شیخ عبدالرحیم الغراوی در سال ۱۳۴۱ ق مطابق ۱۳۰۱ ش در شهر مقدس نجف چشم به جهان گشود. پدر وی شیخ محمد قریش الغراوی از علمای منطقه کحلاء اماره جنوب عراق و بزرگ طایفه انجیم از قبیله آل غره بود که در نجف به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. استاد غراوی دروس مقدماتی را از محضر والد معظم و شیخ اسد حیدر فراگرفت. در سال ۱۳۵۶ ق برابر با ۱۳۱۶ ش همراه پدر به شهر سامرا مهاجرت کرد. در ادامه تحصیلات معالیم و لمعه را نزد شیخ جعفر سودانی و شیخ کاظم ساعدی آموخت. درس مکاسب را نزد سید نصرالله مستنبط و رسائل و کفایه را از شیخ حبیب الله محلاتی تلمذ نمود. سپس با مراجعت به نجف در درس خارج فقه و اصول آیت الله خوئی و شهید صدر و سید نصرالله مستنبط و شیخ مجتبی لنگرانی شرکت کرد. وی در زمان مرجعیت آیت الله خوئی از طرف ایشان وکیل و مدیر مدرسه جعفریه سامرا گردید».

طی دهه های گذشته شیعیان سامرا به اقلیت تبدیل شده و اکثر آنها بر اثر ظلم حکومت بعث و سرسپردگان شان مهاجرت کرده اند و خانه ها و املاک شان تصرف شده است. استاد غراوی بارها مورد تهدید و حمله متعصبین و معاندین قرار گرفته و خانه و مدرسه شان مورد هجوم واقع شده است. وی سال هاست که در حرم امامان عسکریین (ع) اقامه نماز می نماید و در مدرسه جعفریه به درس و بحث می پردازد و برای ایشان توفیق در تکمیل و چاپ معجم شعراء شیعه و مستدرکات آن را آرزو می کنیم.

علی اکبر صفری

به جهت اتفاق تألیف آن در جوار آن امام به حق و مقتدای مطلق، لازم دانست که آن را به تحفه رضویه مسمی نماید. وی سپس می‌نویسد که کتاب را بر دو مقدمه و دو باب مرتب نموده است. دو مقدمه که صفحاتی اندک از کتاب را به خود اختصاص داده، به ضرورت دانستن مسائل عبادات یا تقلید از مجتهد زنده و طریق شناسایی مجتهد پرداخته و پس از آن باب اول کتاب آغاز می‌شود که در بیان مسائل طهارت است؛ در این باب نویسنده هشت مطلب را جای داده است چون اقسام آب‌ها و احکام آنها، بیان نجاسات و احکام آن، بیان مطهرات و احکام آنها و ... پس آن‌گاه باب دوم کتاب، تحت عنوان «در مسائل و احکام نماز» آمده است. در این باب مؤلف شش مطلب، چون مقدمات نماز و شرایط نماز، افعال و اذکار نماز و ... را آورده است. بدین گونه کتاب خاتمه می‌یابد.

پایان بخش کتاب، فهرست‌هایی از طرف محقق است که شش عنوان را ارائه می‌کند؛ فهرست آیات، احادیث، معصومین، اعلام، مصادر تحقیق، و فهرست تفصیلی. و البته کتاب با تبلیغ مراکز فروش مؤسسه بوستان کتاب در شهرها، که یادآور شیوه و سلیقه دوران کهن است، خاتمه می‌یابد.

در خور ذکر آن که فرزند مؤلف کتاب، ملا احمد نراقی پس از درگذشت پدر، به حکم این که مردم لزوماً می‌باید از مجتهد زنده تقلید کنند، نظریات خویش را که پس از پدر عهده‌دار مرجعیت فقهی شده بود در حاشیه آن آورد و محقق کتاب آن حواشی را در پاورقی آورده است.

کتاب در مجموع یک دوره احکام شرعی در خصوص طهارت و نماز برای مکلفین و عوام است.

بی‌گمان سامان‌یابی کتاب و عرضه شدن آن به شکل و شمایل پسندیده، زحمات و هزینه‌های زیادی برده است و جا دارد از محقق، دست‌اندرکاران و متصدیان امور قدردانی شود؛ اما از آن‌جا که هیچ‌کاری بی‌کاستی نیست و تذکارهای دل‌سوزانه در انجام بهینه فعالیت‌های بعدی می‌تواند مؤثر باشد نکاتی را عرضه می‌داریم:

۱. ابتدا باید به مؤسسه ناشر کتاب یادآوری کرد که به بار نشستن یک اثر تحقیقی، آن قدر هزینه می‌برد که بی‌توجهی به عرضه آن را نابخشودنی می‌کند؛ در این‌جا عنوانی که در پشت جلد کتاب آمده با بی‌دقتی همراه است، چرا که «همزه» یا «یای» نسبت بین دو کلمه «تحفه» و «رضویه» لازم است، چنان‌که در داخل کتاب به آن توجه شده و به صورتی که آمده درست نمی‌باشد. همچنین یادکرد نام محقق در پشت جلد ضروری است.

۲. نکات ویرایشی، که تقریباً تمامی منشورات پژوهشگاه از

آن در رنج هستند، دامن‌گیر این کتاب نیز می‌باشد و این کاستی از مرکز پژوهشی دینی، که داعیه دار ارائه کتاب‌های بروز است، چندان اغماض‌پذیر نیست، برای نمونه: ص ۱۲، سطر ۳، فعل ندارد؛ در همین صفحه پس از «نخست» و «دوم» دو نقطه زاید است، همچنین در مقابل نخست، «دیگر» می‌آید نه «دوم»، ضمن این که جمله‌بندی‌های این بخش نیاز به ویراستاری دارد؛ ص ۱۳، سطر آخر، پس از مؤلف، ویرگول ضروری است؛ ص ۱۴، سطر ۴ مقتصدای درست است؛ ص ۱۵، سطر ۶ ملا درست است نه مولی و سطر ماقبل آخر، فعل باید جمع باشد؛ ص ۲۴ سطر ۱ و ۲ سامحه ... باید در داخل ویرگول قرار گیرد؛ در همین صفحه پس از التاء، نقطه لازم نیست؛ ص ۲۴، سطر ۱۹ «دلیل هم» درست است؛ ص ۲۹ «نجاسات و احکام آنها» آمده در حالی که در فهرست اجمالی اول کتاب و فهرست تفصیلی آخر کتاب «احکام آن» آمده است و ...

در اسامی کتاب‌های داخل متن روال واحدی پیشه نشده است، چنان‌که برخی ایرانیک و برخی معمولی زده شده است (ص ۱۲-۱۵).

۳. دیگر کاستی کتاب معرفی نشدن بایسته مؤلف از یک سو و بیان نکردن ضرورت احیا و چاپ چنین اثری است. همان‌گونه که بیان گردید کتاب صرفاً بیانگر احکام نماز و طهارت برای توده مردم است و علی‌القاعده چنین نوشته‌هایی دارای تاریخ مصرف مشخص و محدودی می‌باشند؛ بنابر این توجیه چنین هزینه‌گری بایستی به درستی بیان گردد. البته اگر این اثر در مجموعه‌ای با عنوان «مجموعه آثار نراقی» انتشار می‌یافت اندکی پذیرفتنی می‌نمود.

۴. محقق محترم در تعریف عملیات خویش بر روی کتاب به کمترین توضیح بسنده کرده است، در حالی که خواننده انتظار دارد تا بداند او چه مشکلاتی از کتاب را برطرف ساخته و چه کارهای جدی در آن اعمال کرده است و اگر چنین کارهایی صورت نمی‌گرفت چه سختی‌ای بر خواننده بار می‌شد و از همه مهم‌تر آن که وی بر چه اساس و مدرکی مستندات داده‌های نراقی را کشف کرده است، به ویژه آن‌جا که نراقی اقوالی را به بعضی نسبت می‌دهد محقق به چه دلیلی مصداق آن بعضی را شناسایی می‌کند.

۵. در صفحه پانزده محقق محترم آورده‌اند که «این رساله را فرزندش مولی (ملا) احمد نراقی حاشیه کرده و حاشیه‌ها در نسخه‌ها آمده است و تمامی حواشی موجود تصحیح شده و ذیل متن [[زیر]] آمده است» در حالی که وی در صفحه ۲۳ که آغاز و طلیعه کتاب است حاشیه ملا احمد را در داخل متن آورده است و این، گذشته از تخلفی که صورت گرفته، به شدت روال بحث را مختل ساخته است.

اسلامی قم منتشر شده است به دنبال بازخوانی و نقد روایت رالز از عدالت است که به زعم نویسنده با هدف دفاع از لیبرالیسم صورت پذیرفته است. مؤلف که اینک استاد میهمان در دانشگاه کمبریج انگلستان است در مقدمه از سعی وافر خود برای تبیین تمام ابعاد اندیشه رالز با استناد به آثار وی خبر می دهد.

فصل اول کتاب اختصاص به معرفی رالز و اهمیت وی در تفکر لیبرالی معاصر دارد. رالز متفکر مؤثر و برجسته ای در حوزه فلسفه سیاسی در قرن بیستم به شمار می آید، طرفداران و نیز منتقدان وی بر ضرورت توجه به آثار رالز در فلسفه سیاسی و مباحث عدالت تأکید دارند و همگی اذعان دارند که آثار وی عمیق، جامع و مؤثر بوده اند. سر اقبال عمومی به رالز را باید در سبک و سیاق کتاب مهم وی یعنی نظریه عدالت دانست که به لحاظ روش و نوع استدلال رالز را از دیگر مدافعان لیبرالیسم متمایز می کند. به زعم رالز جامعه ای عادلانه است که ساختار آن جامعه بر پایه اصول و معیارهای عادلانه ای سامان یافته باشد و رالز در این کتاب به دنبال درک و شناخت اصول عدالت است و معتقد است که روشی وجود دارد که می توان از طریق آن به اصولی دست یافت که مورد توافق هر موجود عاقلی باشد.

مؤلف در عین حال جذابیت رالز را مرهون موارد ذیل می داند:

۱. برای مدافعان لیبرالیسم توفیق بزرگی است که بتواند مکتب سیاسی-اجتماعی خود را با ارزش والایی به نام عدالت پیوند بزنند. این امر زمانی اهمیت پیدا می کند که به متفکرین گذشته لیبرالیسم توجه کنیم که یا براساس نظریه قرارداد اجتماعی (مثل جان لاک) یا در چارچوب نفع انگاری (مثل جان استوارت میل) به دفاع از لیبرالیسم می پرداختند، اما تثبیت دیدگاه رالز درباره عدالت به لیبرالیسم اساسی اخلاقی اعطا می کند. ۲. کار رالز درباره عدالت بسیار عمیق و جذاب است. در عین حال روش وی از دیگر فیلسوفان سیاسی و فیلسوفان اخلاق متمایز است، چرا که رالز سعی وافر دارد که به پرسش های محتوایی و جوهری در مورد آنچه عادلانه است پاسخ دهد و بر آن است که نشان دهد که دقیقاً چه کارهایی باید انجام داد و ساختار جامعه را بر چه پایه هایی باید استوار شود تا جامعه ای عادلانه شکل گیرد.
۳. اندیشه های رالز در فضایی مطرح شد که رقابت کمونیسم با سرمایه داری در اوج خود بود و جنبش های اجتماعی سیاهپوستان و زنان هم فعال بودند، در چنین فضایی طرح قرائتی عادلانه از لیبرالیسم توانست واکنش های زیادی را به خود جلب کند. از نظر رالز عدالت دارای دو اصل پایه ای است:

اصل اول آزادی است که شامل حقوق استاندارد مدنی و سیاسی و آزادی های اساسی است و اصل دوم تمایز است که به

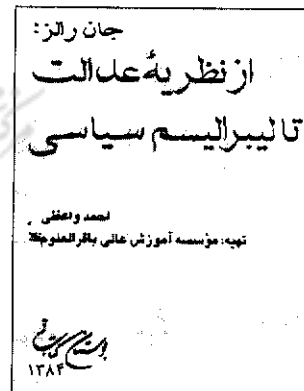
۶. گذشته از اشکال بیان شده، محقق نظریات ملا احمد را در پاورقی جای داده است و با قید نام او در آخر هر متن، سخنان او را از پانوشته های خویش باز شناسانده است، در حالی که می بایستی یا آن نظریات را با ذکر شماره به پایان متن یا مطلب یا باب یا کتاب می برد یا لااقل با فونت دیگری به برجسته سازی آن دست می زد تا خواننده دچار خطا نگردد.

۷. محقق محترم در پایان کتاب علاوه بر فهرست اعلام، که روشی مرسوم است، به ارائه فهرست معصومین پرداخته است. این کار که در بدو امر چندان نابه جا نمی نماید، اما چون اعلام آمده در کتاب تنها یک صفحه است و معصومین نیز جزو آنان بشمارند نه تنها ضرورتی نمی یابد بلکه عملی زاید دیده می شود.

۸. انتظار آن است که محقق در ارائه بروز کتاب از توضیح برخی واژگان مشکل یا نامأنوس شانه خالی نکرده و در اصلاح عبارات ناصحیح نیز بکوشد.

سید علیرضا واسعی

از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، جان رالز، احمد واعظی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴، ۲۷۲ ص.



یکی از جدی ترین موضوعاتی که همواره ذهن اندیشمندان را به خود معطوف کرده، عدالت است. پیگیری خط سیر اندیشه سیاسی غرب از افلاطون گرفته تا دنیای معاصر نشان می دهد که موضوع مهم و اساسی در این اندیشه ها عدالت است، ولی تفاوت عدالت در اندیشه افلاطون با اندیشه لیبرال های جدید چون رالز درباره عدالت این است که روایت افلاطون منتهی به نوعی نظام سیاسی بسته می گردید، در حالی که لیبرال های مدرن به دنبال روایتی از عدالت هستند که معضلات لیبرالیسم را حل و فصل نماید. جان رالز از فیلسوفان سیاسی برجسته در قرن بیستم یکی از مهمترین راویان روایت اخیر از عدالت است. کتاب «از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی» تألیف احمد واعظی که در ۲۷۲ صفحه در سال ۱۳۸۴ از سوی بوستان کتاب دفتر تبلیغات

اختصار بدین معناست که همه خیرات اولیه اجتماعی نظیر درآمد، ثروت، آموزش، مناصب سیاسی و اجتماعی و فرصت‌های شغلی و اقتصادی و سایر مزایا و مواهب اجتماعی باید به طور برابر در میان افراد جامعه توزیع شود مگر آن که توزیع نابرابر برخی یا همه این خیرات مزایایی برای افراد کمتر بهره‌مند جامعه در پی داشته باشد. این روایت آشکارا با لیبرالیسم محافظه‌کارانه افرادی چون رابرت نوزیک و فردریک فون هیک متفاوت است، چرا که رالز آزادی را به آزادی‌های اساسی و غیر اساسی تقسیم می‌کند و نسبت به سلب آزادی‌های غیر اساسی در راستای برقراری عدالت انعطاف نشان می‌دهد. نکته دیگری که وی را از دیگر لیبرال‌ها جدا می‌کند تلاش او برای قرار دادن لیبرالیسم بر مبنایی اخلاقی و ارزشی است که این پایه اخلاقی همانا عدالت است.

فصل دوم کتاب به بررسی سیر آرای رالز از عدالت تا عدالت سیاسی می‌پردازد. اندیشه رالز در باب عدالت را می‌توان به دو دوره متقدم و متأخر تقسیم کرد. رالز متقدم به دنبال دفاعی اخلاقی از لیبرالیسم است که بسیار جذاب می‌نمود، اما رالز متأخر اصول عدالت را تنها راه حلی سیاسی جهت تداوم نظمی می‌داند که بر محور ارزش‌های حاکم بر فرهنگ سیاسی معاصر غرب است، البته این چرخش دلسردکننده است. عناصر اصلی نظریه رالز متقدم عبارتند از: ۱. نظریه عدالت به مثابه نظریه اخلاقی که رالز در این راستا به دنبال ارائه جایگزینی برای نفع‌انگاری به عنوان مبنای لیبرالیسم است. به اعتقاد وی منتقدین نفع‌انگاری دو جریان اصلی شهودگرا و کمال‌گرا بوده‌اند که هیچ کدام نتوانسته‌اند بدیلی برای نفع‌انگاری ارائه دهند. از نظر رالز شهودگرایی از ارائه معیارهای ثابت و مشخص و تغییرناپذیر جهت داوری در مقولات ارزشی از جمله بحث اصول عدالت عاجز است. از نظر رالز کمال‌گرایی هم بر اصول مدون و ثابت خاصی به عنوان پایه و اساس ساختار اجتماعی و نظام حقوق و وظایف افراد و نهادها استوار نشده است. رالز به دنبال ارائه بدیلی برای نفع‌انگاری است. ۲. تصمیم‌گرایی است که از دو منظر قابل بررسی است: اولاً رالز اصول عدالت خود را در حوزه وساحت‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی قابل اجرا می‌داند و دوم این که این اصول را مختص جامعه خاص نمی‌داند و برای هر جامعه‌ای است که می‌خواهد عادلانه زندگی کند. ۳. عقلانی بودن اصول عدالت که هم در مورد افراد و اهداف و منافع آنها و هم در طرح و نقشه‌ای که برای زندگی ترسیم می‌کنند و هم شیوه و روش انتخاب طرح و نقشه زندگی استفاده می‌شود. به نظر وی افراد در «وضعیت اصیل» (وضع اصیل یا

وضع نخستین ×) افرادی کاملاً عقلانی‌اند که برای زندگی خود اصول عدالت را برمی‌گزینند. ۴. عینی بودن عدالت؛ عنصر مشترک در همه اشکال عینی‌گرایی مقابله با نسبی‌گرایی است و عینی بودن اصول عدالت در دیدگاه رالز به معنای اعتبار همگانی و عام آن است. ۵. تأثیرپذیری از کانت؛ رالز مدعی است که اصول عدالت وی با امر مطلق کانت شباهت دارند. کانت به واسطه امر مطلق در صدد درک اصل و قاعده رفتاری بود که بر فرد به حسب سرشت او به عنوان یک موجود عاقل آزاد و برابر قابل تطبیق باشد. به نظر رالز اصول عدالت را می‌توان بر مبنای تفسیر کانتی از استقلال فردی تبیین کرد. کانت در هر دو زمینه اخلاق و نظریه عدالت مدافع گونه‌ای از وظیفه‌گرایی است که پایه‌ای صرفاً عقلانی دارد که برحسب آن درک‌کننده اصول پایه اخلاق و عدالت عقل محض است. فرد عقلانی کانت هم شباهت فراوانی با فرد موجود در وضعیت تحسین و اصیل رالز دارد و به تعبیر خود رالز وضع نخستین را می‌توان تفسیر رویه‌ای از تلقی کانت از استقلال فرد و نیز امر مطلق دانست.

اما رالز متأخر از تلاش برای ارائه بنیادهای اخلاقی برای عدالت فاصله می‌گیرد و نظریه عدالت خود را بیشتر به عنوان نظریه‌ای سیاسی که به کار حل معضلات جوامع لیبرال دموکراتیک غرب می‌آید مطرح می‌کند. آنچه این تلقی سیاسی از عدالت را موجه می‌کند نقش آفرینی و کارکرد مثبت سیاسی آن در استمرار بخشیدن به نظم اجتماعی مستقر در جوامع لیبرال دموکرات معاصر است و خود به تصریح اذعان دارد که ما به دنبال یافتن مفهومی از عدالت نیستیم که مناسب برای همه جوامع، صرف نظر از شرایط خاص اجتماعی و تاریخی آنها باشد. ما می‌خواهیم یک عدم توافق و نزاع بنیادین درباره شکل عادلانه نهادهای اساسی موجود در یک جامعه دموکرات شکل گرفته در شرایط مدرن را برطرف سازیم. در واقع بر حسب این موضع رالز متأخر از کانت هم فاصله جدی می‌گیرد و جای فرد مستقل در نظریه اول وی را یک شهروند آزاد و برابر می‌گیرد. بنابراین تلقی سیاسی از عدالت برداشت عینی و عام و عقلانی از اصول عدالت را مردود اعلام کرده و تکثرگرایی سیاسی فلسفی و اخلاقی را محترم می‌شمارد.

مؤلف در فصل سوم به دنبال بررسی درونمایه نظریه عدالت رالز متقدم است. این کار مهم رالز در وهله اول روش شناختی است. وی ضمن نقد روش‌های موجود به دنبال دفاع از دریافت قراردادگرایی از عدالت است. روش قراردادگرایی رالز محتوای اصول عدالت را نتیجه توافق و قرارداد اجتماعی افراد خاص در وضعیت ویژه‌ای می‌داند که آن را وضع نخستین یا اصیل

می‌نامد، وی این روش را منتهی به «عدالت رویه‌ای محض» می‌داند که در مقابل «عدالت تخصیصی» قرار می‌گیرد. عدالت رویه‌ای محض ناظر بر روش است بدین معنا که ما از قبل به توافق و اشتراک نظر درباره نتیجه عادلانه دست پیدا نمی‌کنیم و تعریف پیشینی از عدالت و مضمون آن نداریم، اما می‌توانیم در مورد روش منصفانه توافق کنیم که هر چه از این روش حاصل شود عادلانه خواهد بود که رالز این را عدالت روشی محض می‌نامد و وضع نخستین هم واجد چنین ویژگی است. برخی از شارحان رالز این روش و نظریه وی را «تدوین‌گرایی» نامیده‌اند که براساس آن، یگانه ضامن حقانیت و عادلانه بودن قرارداد و توافق و تدوین آنها مطلوبیت و منصفانه بودن آن وضعیت و شرایط برای گزینش و تدوین اصول عدالت است. بنابراین تدوین‌گرایی موقعیت خاصی را به تصویر می‌کشد که هر چه نتیجه آن موقعیت باشد حق و عادلانه است و رالز تلاش می‌کند منصفانه بودن این وضع را اثبات کند. حال این «وضعیت اصیل» دارای چه محتوا و ویژگی‌هایی است. وضعیت اصیل یک وضعیت فرضی است که افراد در شرایطی به سر می‌برند که نمی‌توانند از روی نفع طلبی شخصی تصمیم بگیرند. از نظر رالز در وضعیت فرضی افراد در شرایطی‌اند که از همه عواملی که به نوعی مانع حصول توافق و اشتراک نظر درباره اصول عدالت می‌شوند غافل و بی‌خبری باشند؛ او این غفلت را محصور شدن در «پرده غفلت» می‌نامد که افراد در آن تقریباً از هر چیزی که موجب نفع طلبی شخصی بشود غافلند. افراد در وضعیت اصیل همچنین موجوداتی عقلانی‌اند بدین معنا که تلاش دارند برای وصول به اهداف معینی به دنبال مؤثرترین ابزار باشند. در عین حال آنها می‌خواهند آنچه حق و درست است تشخیص دهند و مبنای نهادهای اجتماعی خود قرار دهند و همچنین باید به اجماع و توافق درباره اصول عدالت برسند. اما چون رالز به این موضوع اذعان دارد که هرگونه گزینش عقلانی از خطوط کلی زندگی عقلانی و مطلوب پیش‌تصوری از مطلوبیت‌ها و خیرات ممکن نیست، بحث خیرات اولیه را پیش می‌کشد که یک تلقی ضعیف از خیر است و مانع از حصول اجماع درباره اصول عدالت نمی‌شود، در عین حال مفهوم حق مقدم بر مفهوم خیر می‌باشد. وی از اموری نظیر آزادی، فرصت، ثروت و درآمد، احترام به خویش به عنوان نمونه‌هایی برجسته از خیرات اولیه یاد می‌کند که اصول عدالت باید شیوه توزیع عادلانه آنها را ارائه دهد، این اصول عدالت شامل موارد ذیل می‌باشد: اصل آزادی برابری، اولین اصل از اصول عدالت است که البته فقط دربرگیرنده آزادی‌های اساسی است که شامل آزادی سیاسی

- حق رأی و حق رسیدن به مناصب، آزادی بیان، آزادی آگاهی، آزادی تفکر و آزادی و رهایی از دستگیری غیر قانونی می‌باشد؛ اصل دوم عدالت، اصل تمایز است که به این موضوع برمی‌گردد که در چه شرایطی وجود نابرابرها در برخورداری از مواهب و امکانات موجه است. رابطه اصل دوم با اصل اول مهم است. اصل دوم دربرگیرنده آزادی‌های غیر اساسی است که می‌توان برای تحقق عدالت اجتماعی آنها را سلب کرد و این تفاوت لیبرالیسم کلاسیک از لیبرالیسم رالز است. لیبرالیسم کلاسیک اجازه نمی‌دهد به بهانه اموری نظیر عدالت اجتماعی، آزادی فردی (حتی غیر اساسی) سلب یا محدود شود. به هر حال رالز براساس اصل دوم استدلال می‌کند که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید به گونه‌ای ترتیب داده شوند که اولاً بیشترین نفع را برای افراد کمتر بهره‌مند در عین رعایت اصل پس‌انداز عادلانه در پی داشته باشد و دوم این که دسترسی به همه مناصب و موقعیت‌ها تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها به روی همه گشوده باشد.

مؤلف در فصل چهارم به دنبال نقد و ارزیابی نظریه عدالت رالز است که در سه محور طرح می‌شود. محور نخست روش وی را تحلیل می‌کند که بر حسب آن قراردادگرایی در بوته نقد قرار می‌گیرد. اولین نکته این است که رالز دلیلی اقامه نمی‌کند که چرا باید تعیین اصول عدالت در فضای تأسیس اختیاری و قراردادی ارکان و نهادهای جامعه انجام پذیرد. رالز در عین حال پیش‌فرض‌هایی هم برای این موضوع دارد که در مورد آنها هم استدلال نمی‌کند، برای مثال وی هیچ دلیلی بر عمومیت‌گرایی خویش درباره اصول عدالت اجتماعی اقامه نمی‌کند و آن را به مثابه اصل موضوعه در نظر می‌گیرد. موضوع دیگر تلاش وی برای تثبیت منصفانه بودن شرایط حصول عدالت رویه‌ای محض است. اولاً وی بین برابری شرایط افراد با منصفانه بودن آن وضعیت خلط می‌کند، از سوی دیگر دلایل توافق و اجماع افراد در وضع اصیل از قدرت توجیه‌کنندگی محدود برخوردارند چرا که افراد از بسیاری از آگاهی‌ها به دلیل قرار گرفتن در پرده غفلت محرومند، همچنین رالز در ترسیم محتوای خیرات اولیه بی‌طرفی نظری و فلسفی را رعایت نکرده است و بیشتر متناسب با فلسفه لیبرالیسم است و در واقع رالز تصور خود از خیرات اولیه را به افراد موجود در وضع اصیل تحمیل می‌کند، در وهله بعدی معلوم نیست که از نظر رالز افراد در وضع اصیل اصول عدالت را درک و کشف می‌کنند یا آنها را براساس قرارداد اراده وضع می‌کنند. در عین حال هر دو روایت هم از رالز قابل مشاهده است. در هر حال رالز برخلاف کانت که عقل را معیار

ترسیم نمی‌کند، بلکه مسأله اصلی ترسیم یک تلقی سیاسی از عدالت اجتماعی است که در جوامع دموکرات مبتنی بر قانون اساسی که تکثرگرایی در فلسفه و مذهب اخلاق از ویژگی‌های اساسی آنهاست، نظامی پایدار ایجاد می‌کند. طبعاً براساس این برداشت هم در لیبرالیسم سیاسی فرد به عنوان عامل اخلاقی جای خود را به شهروند آزاد و برابر می‌دهد. در عین حال رالز می‌کوشد با نظریه عدالت سیاسی خود راه حلی بین دو سنت فکری در غرب یعنی اولویت آزادی (جان لاک) و اولویت برابری (روسو) بیابد. بنابراین رالز در نظریه عدالت سیاسی خود به نفی تعمیم‌گرایی، عینی‌گرایی موجود در برداشت اولیه خود از عدالت می‌پردازد و در عین حال مدعی است که در برابر هیچ دکتترین جامع خاص، موضع جانبدارانه ندارد و آنها را در ساماندهی اصول لیبرالیسم دخالت نمی‌دهد.

مؤلف پس از تبیین اصول و محتوای عدالت سیاسی به نقد ریچارد رورتی از نظریه رالز می‌پردازد. به زعم درستی تلاش اصلی رالز متأخر معطوف به قطع پیوند میان نهادهای اصلی لیبرالیسم و توجیه فلسفی است که رورتی از این موضوع تحت عنوان تقدم دموکراسی بر فلسفه یاد می‌کند. به باور رالز فلسفه به عنوان جستجوی حقیقت درباره نظم اخلاقی و منافذ یکی مستقل هرگز نمی‌تواند پایه‌ای مشترک برای یک تلقی سیاسی از عدالت در جامعه‌ای دموکراتیک در اختیار نهد. حتی رورتی اعتقادی به چرخش رالز در نظریه عدالت سیاسی ندارد و هدف رالز متقدم در طرح نظریه عدالت را هم سیاسی می‌داند. مؤلف در ارزیابی عدالت سیاسی رالز، دیدگاه اخیر وی را کاملاً متواضعانه تر از نظریه عام‌گرایانه وی تلقی می‌کند و در عین حال هدف آن را مصالحه بین سنت‌های فکری مختلف می‌داند.

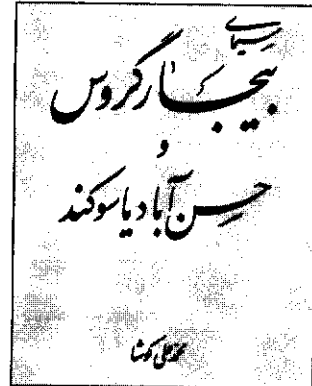
مؤلف در نهایت به نقد هابرماس از نظریه رالز می‌پردازد که ناظر بر سه موضوع است. وی ابتدا جایگاه وضع اصیل را در این نظر مورد چالش قرار می‌دهد. دومین مسأله این است که به زعم هابرماس رالز تفکیک روشنی میان مسأله توجیه لیبرالیسم سیاسی و مقوله پذیرش آن برقرار نمی‌کند و در نهایت این که رالز نمی‌تواند به هدف و مدعای اصلی خود یعنی ایجاد تعادل و سازش بین آزادی و برابری نایل شود. رالز ضمن قبول نقد هابرماس شأن «وضع اصیل» را در نظریه خود به شدت تنزیل می‌دهد که باید گفت این امر می‌تواند اساس نظریه درباره عدالت و پس از آن عدالت سیاسی را مخدوش کند، چرا که این نظریه به شدت موهون ابتکار رالز در طرح وضعیت اصیل است.

مقصود رنجر

داوری در این زمینه معرفی می‌کند، معیاری برای درست بودن محتوای اصول عدالت که قرارداد می‌شود مطرح نمی‌کند. رالز در برخی پاسخ‌ها منکر نیاز به چنین معیاری است و گاه اصول مورد نظر خود را مطابق با داوری حس عدالت‌خواهی و اخلاقی انسان‌ها می‌داند. همچنین رالز بسیاری از تلقی‌های دیگر از عدالت اجتماعی را عملاً کنار می‌گذارد، قبل از این که انتخاب عقلانی افراد در وضع اصیل آغاز شده باشد، هر چند که هیچ تضمینی هم وجود ندارد که افراد در وضع اصیل به توافق و اجماع برسند. در وهله بعدی تصور رالز از خیرات اولیه مبتنی بر لیبرالیسم است و عناصر مورد نظر یک فرد لیبرال دربرگیرنده خیرات اولیه است. در عین حال نباید باورهای زیر به اصول عدالت در وضع اصیل به پشت پرده غفلت برود. همچنین به زعم منتقدین نظریه رالز در باب عدالت به نظریه خاصی درباره فرد انسانی استوار است که غیر واقعی و غیر قابل پذیرش است. آخرین نقدها بر محتوای اصول عدالت رالز وارد است. رالز در تبیین این که چرا افراد در وضع اصیل آزادی‌های اساسی را محور اصل اول قرار می‌دهند و آنها را مقدم بر دیگر ارزش و اصول عدالت قرار می‌دهند عاجز است، چه آنان حفظ آزادی‌های اساسی را حتی بر تأمین نیازهای معیشتی تقدم می‌دهند. در عین حال در بین آزادی‌های اساسی احتمال تراحم وجود دارد که رالز بدان نمی‌پردازد.

فصل پنجم و پایانی کتاب به بررسی لیبرالیسم سیاسی یا عدالت سیاسی رالز متأخر اختصاص دارد. به زعم رالز عدالت سیاسی منتهی به پذیرفته شدن آن از سوی دیگر مکاتب فلسفی و اخلاقی و مذهبی خواهد شد، چرا که بر هیچ اصل فلسفی و اخلاقی متکی نیست که البته با رویکرد اول وی در تعارض اساسی است. در حالی که رالز در این رویکرد تغییر در خور توجهی در ارکان و شالوده اصلی نظریه عدالت پیشین خود ایجاد نمی‌کند و این در واقع متکی بر برداشت وی از فلسفه سیاسی در رویکرد اخیر است. به گمان وی فلسفه سیاسی دارای چهار کارکرد است: حل یا محدود کردن منازعات فکری و سیاسی در جامعه؛ کمک به افراد در زمینه تشخیص موقعیت سیاسی و اجتماعی خود؛ سوم آشتی دادن افراد با جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند؛ پاسخ به این سؤال است که با توجه به واقعیت‌های موجود، چگونه ساختاری عادلانه است که رالز دغدغه اصلی لیبرالیسم سیاسی را پاسخ به همین سؤال می‌داند. رالز می‌خواهد نشان دهد تفکر نهفته در پس لیبرالیسم سیاسی توانایی ایفای این نقش‌های چهارگانه را دارد. بنابراین تصور سیاسی از عدالت اساساً هدفی اخلاقی برای خویش

سیمای بیجار گروس و حسن آباد یا سوکند، محمدعلی کوشا، چاپ اول، انتشارات سیروان، تهران، ۱۳۸۴، وزیری، ۹۱۹ ص.



توجه به سفارش های قرآنی که در زمین سیر کنید و اهمیت محیط در پرورش و بالش فرد سبب گردید مؤلف محترم به تحقیق درباره بیجار گروس و حسن آباد یا سوکند دست زند و اثر حاضر را تقدیم علاقه مندان به ویژه نسل جوان سازد تا هم دین خویش را به این سرزمین کهن ادا نماید و هم به جوانان القا کند که می توان در راه پیشرفت و ترقی گام برداشت، اما به این شرط که در عوامل رشد و تعالی و رکود و حضیض این اقلیم اندیشه کنند تا مبادا خطاها و لغزش گذشتگان را تکرار نمایند؛ این کتاب به خوبی این مطلب را صحنه می گذارد که نزدیکی یا دوری به مرکز کشور در بالندگی یا شکوفایی شهری یا روستایی اهمیت کمتری دارد، آنچه مهم است تلاش و تکاپوی مردمان آن می باشد، هر چه بیشتر بکوشند بیشتر پله های عروج را می پیمایند. این اثر در چهار بخش تدوین یافته که عنوان یکایک آنها عبارت است از: کردستان و پیشینه تاریخی آن؛ شهرشناسی گروس؛ مشاهیر گروس؛ روستاشناسی گروس. حال جهت اطلاع بیشتر چکیده هر یک را تقدیم می کنیم:

بخش اول به کردستان و پیشینه تاریخی آن اختصاص دارد. مؤلف ضمن تعیین حدود جغرافیایی استان کردستان و شهرستان های آن گوشزد می کند «آنچه که به نام استان کردستان کنونی خوانده می شود غیر از کردستان به مفهوم نژادی آن است» (ص ۲۴) که میان سه دولت ایران و عراق و ترکیه تقسیم شده است. بعد به گذشته تاریخی آن می نگرد که طبق تحقیقات قدمت این سرزمین به عصر یخبندان و هزاره سوم پیش از میلاد برمی گردد و این که کردها به مادها نسبت می رسانند، مردمانی که با سلحشوری و شجاعت کم نظیر خویش در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد بر قوم آشور غلبه کردند و زمام امور را به دست گرفتند. به نوشته هرودوت «آشوری ها پانصد سال در آسیا حکومت کردند و نخستین مردمی که سر از اطاعت آنها پیچیدند مادها بودند که با ابراز رشادت و شجاعت برای آزادی خاک خود جنگیدند و از قید بندگی رهایی یافتند» (ص ۲۹).

سپس به این مطلب می پردازد چون این مردمان بیشتر در مناطق صعب العبور زیسته اند و تحمل هر دشواری و سختی را در این نوع زندگی به جان خریدند نه فقط شجاعت و نترس بودن جزو خلق و خوی ایشان شده، بلکه نسل ایشان از هر قوم دیگر دست نخورده تر است، در ادامه می گوید هفت قول در باب ایشان وجود دارد که به بازگویی دو قول بسنده می کنیم:

قول فردوسی که کردها را زاییده و نتیجه آن مردمانی می داند که از فرمان دهشتناک ضحاک سر سالم به در بردند و در کوه ها مأوا و مسکن گزیدند. ضحاک فرمان داده بود هر روز دو انسان را سر ببرند و مغز آنان را خوراک مارهایی سازند که از جای بوسه شیطان بر کتف هایش سر بر زده بودند و اسباب ناراحتی وی را فراهم می ساختند. آشپزان از دو نفر یکی را می کشتند و دیگری را آزاد می کردند تا در کوه ها و مناطق دور مسکن گزینند.

قول دیگر این که چون حکومت ایران به دست اعراب افتاد ایرانیانی که در خویش نمی دیدند از عرب انقیاد برند به کوهستان ها رفتند. البته مؤلف خاطر نشان می کند این کوه نشینی و دوری از مرکز سبب نگردیده که ایشان در راه اعتلای اسلام نکوشند و در وحدت ملی همپای ایرانیان گام های مؤثری برندارند.

نویسنده در بخش دوم مجمل و کافی خواننده را با بیجار گروس آشنایی می دهد. وی در وجه تسمیه بیجار مواردی را برمی شمرد، از جمله بیجار به معنای گل و گیاه است و چون این منطقه سراسر آبادان و سبزه زار می باشد محل تجمع ایلات کرد بوده و در وجه تسمیه گروس هم چند گفته را ذکر می کند که میان آنها این گفته پسندیده تر است که گروس نام قومی کرد بوده است.

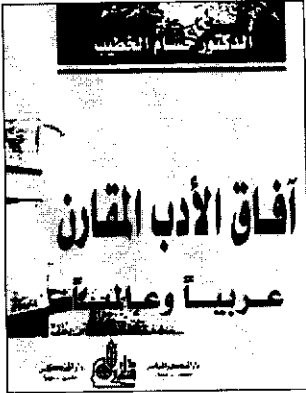
مخاطب در این بخش ضمن آشنا شدن با کوه ها و رودخانه قزل اوزن و رودخانه هایی که از این منطقه به آن می ریزند و حمام ها و گردشگاه ها به آثار باستانی ای برمی خورد که از قدمتی بسیار برخوردارند، آثاری چون قلعه قمچقا که پیشینه اش به هزار سال پیش از میلاد می رسد، پل تاریخی صلوات آباد، زیارتگاه حمزه آباد، تیمچه امیر تومان، سپس از شکارگاه ها و شکارها و آب و هوای بیجار و چهار باغ گروس اطلاعاتی کسب می کند.

اما شغل عمده مردم این دیار چیست، این سؤالی است که مؤلف نوشته اش را براساس آن پی می گیرد. مردم این منطقه غالباً به کشاورزی و دامداری و تولید صنایع دستی مشغولند و از این راه ها کسب درآمد می کنند. عنوان دیگر مباحث مؤلف عبارتند از: وضعیت ارتباطات، معادن و صنایع، جغرافیای انسانی گروس و جمعیت آن، دین، زبان، اعیاد ملی و مذهبی، مساجد، ایلات و خانواده های گروس، سادات گروس و مراکز علمی آن. مخاطب در بخش سوم با این دسته افراد آشنا می شود:

بهتر بود به داده های ضروری اکتفا می کرد و به یکی دو نمونه از رأی و نظر دیگران استناد می جست و برای اطلاع بیشتر خواننده را به منابع ارجاع می داد؛ در ضمن بهتر بود آنچه را که در ابتدای فصل چهارم آورده به بخش اول منتقل می کرد که سازگارتر بود.

عباس جبّاری مقدم

آفاق الأدب المقارن عربياً و عالمياً، د. حسام الخطیب، دارالفکر، دمشق ۱۹۹۹.



با توجه به نیاز محافل ادبی کشور عزیزمان به مباحث ادبیات تطبیقی و ناچیز بودن تحقیقات انجام شده در این زمینه و نیز با عنایت به نیاز شدید به بررسی ادبیات عربی و رابطه متقابل آن با ادبیات فارسی و آثار موجود به این دو زبان، لزوم توجه به ادبیات تطبیقی، پیدایش و سیر تکاملی و ضرورت آشنایی با سازوکارها و قلمرو آن، معرفی این کتاب را که از معدود آثار محوری در جهان عرب در این زمینه می باشد لازم دیدیم، امید است مورد توجه دانشجویان، محققان عرصه های ادبی و سایر علاقه مندان قرار گیرد.

معرفی نویسنده: پروفسور حسام الخطیب، استاد ادبیات تطبیقی و نقد در دانشگاه قطر و یکی از معدود چهره های سرشناس در زمینه مباحث ادبیات تطبیقی در جهان عرب است که تألیفات و آثار متعددی در این خصوص دارد، از جمله آثار وی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

رشد ادبیات و شکل گیری مکاتب ادبی در اروپا، * ادبیات تطبیقی (در دو جلد به عنوان کتاب های دانشگاهی در دمشق)، چند رمان زیر ذره بین، روحی الخالدی طلایه دار ادبیات تطبیقی عربی و ده ها کتاب دیگر در زمینه زبان عربی و حوزه ادبیات در جهان عرب.

کتاب آفاق الأدب المقارن عربياً و عالمياً یا چشم اندازهای ادبیات تطبیقی در جهان عرب و جهان، یکی از مهمترین تألیفات است که در جهان عرب در این زمینه به رشته تحریر درآمده و از این رو یکی از منابع عمده در این خصوص به شمار می آید.

نویسنده کتاب را در چهار فصل و هر فصل را در چند گفتار

۱. فرمانروایان چون خلیل خان سیاه منصور گروسی، دولتیازخان سیاه منصور گروسی، لطفعلی خان گروسی، امیر نجفقلی خان گروسی، محمدصادق خان گروسی و حسنعلی خان امیر نظام گروسی و ...

۲. دانشمندان روحانی گروس چون شیخ شهاب الدین سهروردی، شیخ شهاب الدین ابو حفص سهروردی، سید عبدالمجید گروسی، حاج میرزا ابوالبشر چهل امیرانی، شیخ محمدحسن مجتهدی، سید نصرالله بنی صدر و شیخ عبدالحسین فاضل گروسی و ...

۳. نثرنویسان و پژوهشگران گروس چون محمد فاضل خان، حسنعلی خان امیر نظام، محمدعلی کوشا و نصرت الله قاسمی فر و ...

۴. شاعران مشهور گروس چون زیور گروسی، محمد رستم پور و رضا چراغعلی پور و ...

۵. خوشنویسان گروس چون احمد سهروردی و محمدحسن معمارباشی و ...

۶. هنرمندان گروس چون محمدباقر آقامیری، اسماعیل عسکری، سعید شعبانی، موسی علیارپور و علی اصغر لک و ...

۷. شهیدان گروس چون دریادار غلامعلی بایندر، کامران نجات اللهی، ایرج شهبازی و دکتر مصطفی رستم پور و ...

۸. پزشکان گروس چون میرزا عبدالرحیم نجات اللهی، دکتر عزت الله ریاضی و دکتر غلامرضا خاکپور و ...

۹. چهره های فرهنگی گروس چون مرتضی بایندریان، سید محمد گنجی، محمد خدادادیان و عبدالله اسدی و ...

نگارنده در بخش چهارم مخاطب را به گونه ای مختصر با سه بخش گروس (مرکزی به مرکزیت بیجار، کرانی به مرکزیت حسن آباد یاسوکند و چنگ الماس به مرکزیت باباشکانی) به ویژه بخش کرانی آشنایی می دهد و بعد از همه روستاهای واقع در گروس شناسنامه ای به دست می دهد و از میزان جمعیت و دین و مذهب و ... آگاه می سازد.

نویسنده ۴۳ سند تاریخی و نمونه هایی از خط خوشنویسان و عکس هایی از مناطق گروس و بزرگان آن را ضمیمه کتاب می سازد و چندین فهرست را (اشخاص، مکان ها، مطالب و منابع و مآخذ) به آن اضافه می کند.

این اثر با نثری مطلوب و روان به نگارش درآمده و خواننده به راحتی می تواند با آن انس بگیرد و از مطالب آن سود جوید، اما بهتر بود مؤلف قلم را به گزیده گویی می چرخاند، مثلاً بهتر بود به یکی دو نمونه شعر شاعران اکتفا می کرد یا هنگامی که از عبدالحسین فاضل گروسی و رضا چراغعلی پور و ... می نوشت

نوزدهم تاکنون پدیدار شده‌اند. وی این رهیافت‌ها را در چهار عنوان ذکر می‌کند:

رهیافت اول. ادبیات شفاهی تطبیقی: یعنی مطالعه ادبیات شفاهی و به ویژه موضوعات داستان‌های مردمی و انتقال آن به محیط‌های دیگر و این که چگونه و چه زمانی وارد عرصه ادبیات فنی که الزاماً پیشرفته‌تر از داستان‌های مردمی می‌باشد، شده است. نویسنده با بیان این که رابطه میان ادبیات مردمی و ادبیات مکتوب بیشتر یک رابطه متقابل است این رابطه را عاملی می‌داند که باعث می‌شود مطالعه ادبیات مردمی برای پژوهشگران ادبی و تطبیقی به یکسان مفید افتد. وی سپس متذکر می‌شود که این رهیافت تنها به اروپا و مخصوصاً اروپای شمالی محدود شد و به سایر نقاط جهان راه نیافت، اما در مرحله اول ظهور ادبیات تطبیقی با اقبال زیادی مواجه گردید و امروزه یکی از منابع جزئی این مفهوم تطبیقی را تشکیل می‌دهد.

رهیافت دوم. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری: به بیان نویسنده، حوزه دوم پژوهش در ادبیات تطبیقی، مطالعه پیوندهای موجود میان دو یا چند ادبیات می‌باشد. «این همان مفهوم اساسی است که از زمان ظهور ادبیات تطبیقی و جبهه غالب آن بوده است. به ویژه مکتب تطبیق‌کنندگان فرانسه که در پایان قرن نوزدهم به شکوفایی رسید، بر محصور کردن ادبیات تطبیقی به این حوزه تأکید زیادی کرده و از این که آن را از منظر دیگری غیر از این چارچوب درک کند، امتناع می‌ورزد».

به بیان نویسنده، پایه‌گذار این رهیافت «فرنانلد بالدنس پرگر» (Frenand Baldensperger) فرانسوی است و مجله ادبیات تطبیقی (Larevue de alityerature Comparee) نیز برای گسترش و تبیین ابعاد آن همت گمارده است. این رهیافت حداقل تا نیمه قرن بیستم در غرب سیطره داشت و تا پایان دهه هفتاد قرن بیستم به عنوان تنها مفهوم پژوهش‌های تطبیقی پژوهشگران عرب باقی ماند.

رهیافت سوم. ادبیات جهانی و عمومی: این رهیافت سعی بر آن دارد با ایجاد انطباق میان ادبیات تطبیقی و مطالعه ادبیات در وجه فراگیر آن یعنی مطابقت با ادبیات جهانی یا ادبیات عمومی از اشکالاتی که بر رهیافت دوم مترتب است، دوری‌گزیند. اما به اعتقاد نویسنده، خود این انطباق نیز خالی از اشکال نیست، «زیرا ادبیات جهانی (Weltliteratur) اصطلاحی است که به دست گوته شاعر آلمانی، وضع شده و اغراق زیادی در آن وجود دارد. این اصطلاح به طور ضمنی بدین معناست که ادبیات باید حوزه مطالعاتی خود را به وسعت همه قاره‌های پنجگانه گسترش دهد. اما چنین معنای وسیعی حتی در ذهن گوته هم

نگاشته است. در فصل اول، پس از تعریف ادبیات تطبیقی به زیبایی مشکل این حوزه ادبی را چنین بیان می‌دارد: «سخن از آنچه ممکن است ادبیات تطبیقی نامیده شود بسیار است و امروزه هیچ نظام شناختی را نمی‌توان یافت که به اندازه ادبیات تطبیقی هم در ثنوری و هم در عمل دچار مشکل باشد، حتی مجرد درک ماهیت این مشکل نیز در نظر هر کدام از صاحب‌نظران، متفاوت و متغیر است». سپس نویسنده این مشکل را در سه بعد: تلاش برای یافتن منطبق مخصوص ادبیات تطبیقی، تعیین قلمرو نوعی ادبیات تطبیقی و تعیین نوع مسئولیت ادبیات تطبیقی در چارچوب شناخت ادبی بررسی می‌کند. پس از طرح مشکل ادبیات تطبیقی، مسأله تضارب اصطلاحات به کار رفته در این عرصه شناختی است که توجه نویسنده را به خود معطوف داشته و بحث مفصلی درباره آن می‌نماید. وی با بیان این که ادبیات تطبیقی از زمان پیدایش (که فاصله زمانی آن با عصر حاضر از یک قرن و نیم تجاوز نمی‌کند) زمینه‌های گوناگون پژوهشی را دربر گرفته و چند دسته از مسائل را بررسی کرده، تأکید می‌کند که این مسائل همیشه درجه همگونی و همسانی زیادی نداشته‌اند. به بیان وی حتی خود اصطلاح ادبیات تطبیقی نیز یک اصطلاح اختلاف‌برانگیز می‌باشد و به اتفاق آرای صاحب‌نظران، دلالت ضعیفی بر مفهوم مورد نظر است. بسیاری از پژوهشگران این اصطلاح را رد کرده‌اند، اما در نهایت، ادامه استعمال آن را به دلیل رواجش ترجیح داده‌اند.

نویسنده معتقد است با تمام این تفاسیر، تضارب و اختلاف در اصطلاحات نباید در برابر توسعه این عرصه شناختی مسأله ساز باشد و از همان ابتدا هم پژوهشگران به این امر اشاره کرده‌اند که ضرورتی برای جستجوی اصطلاحی دیگر وجود ندارد، زیرا «هم‌اکنون بیش از یک قرن و نیم از اولین باری که اصطلاح ادبیات تطبیقی به کار رفت می‌گذرد و این مبحث شناختی در خلال این مدت در معرض انواع بحث‌ها، دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌ها قرار داشته است، اما عنوان آن، کارآمدی خود را نشان داد و اثبات کرد که تعیین یک اصطلاح جدید با توجه به این اختلاف نظرها، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. شاید به دلیل غیرممکن بودن و با توجه به همین اختلاف‌ها، این اصطلاح در یکپارچه‌نگه داشتن دلالت‌های آن حتی در پایین‌ترین سطح، توفیق اندکی یافت، زیرا در زیر چتر آن دیدگاه‌های متفاوت و اندیشه‌های متضادی گردهم آمده بود و تنها به دلیل انعطاف‌پذیری عنوان بود که همگی در زیر لوای ادبیات تطبیقی قرار گرفتند».

نویسنده پس از این مبحث در گفتار دوم کتاب به سراغ رهیافت‌های اصلی ادبیات تطبیقی می‌رود، رهیافت‌هایی که در زیر لوای اصطلاح ادبیات تطبیقی از زمان ظهور آن در اوائل قرن

نمی‌گنجید چون وی این اصطلاح را به کار برد تا زمانی را بشارت دهد که در آن گونه‌های مختلف ادبیات، تبدیل به یک ادبیات واحد می‌شوند. این اصطلاح حامل یک آرمان عینی در جهت وحدت تمام انواع ادبیات در قالب یک ساختار عظیم می‌باشد که در آن هر ملتی در چارچوب یک ائتلاف جهانی به ایفای نقش خود می‌پردازد... اصطلاح «ادبیات جهانی» مفهوم دیگری هم دارد: شاهکارهای بزرگ یعنی همان رشته ادبی جادویی که آثار هومر، دانت، سروانتس، گوته، تولستوی، دوستوفسکی، تاگور، گارسیا لورکا و مارکس را در یک جا گرد هم آورده است. این آثار و دیگر آثار همسطح آنها در تمام نقاط دنیا و در هر زمانی خواندنی هستند و ارزش هنری و فکری آنها شناخته شده است. این آثار از نظر بسیاری، مفهوم ادبیات جهانی را که امروزه به کار می‌رود تشکیل می‌دهند.

نویسنده با بیان این که تحقیق در این چارچوب غالباً از مرزهای ملی و منطقه‌ای فراتر رفته و حتی به آن دسته از اندیشه‌ها و سبک‌های ادبی محدود می‌شود که توانسته‌اند مرزهای ملی را به سوی افق‌های وسیع جهانی پشت سر بگذارند، به ذکر دیدگاه برخی از صاحب‌نظران می‌پردازد که ادبیات عمومی را ناقض مفهوم ادبیات تطبیقی قلمداد می‌نمایند، زیرا به نظر ایشان قلمرو ادبیات عمومی همان جهان گسترده و فراتر از مرز می‌باشد، در حالی که حوزه ادبیات تطبیقی رابطه میان دو نوع ادبیات است یعنی رابطه در یک چارچوب داخلی و بومی. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که جداسازی ادبیات عمومی از ادبیات تطبیقی، گاه به فرمالیسم و کمیت‌گرایی نزدیک‌تر می‌شود، زیرا ادبیات تطبیقی ذو وجهین است، در حالی که ادبیات عمومی بیش از دو جنبه دارد. به بیان نویسنده، ایجاد مطابقت میان ادبیات تطبیقی، ادبیات عمومی و ادبیات جهانی در دوره‌های مختلفی اتفاق افتاده و تا امروز هم آثار فراوانی به دنبال داشته است. اما در این میان اصطلاح ادبیات تطبیقی و ادبیات جهانی به سمت نمود یافتن پیش رفته‌اند، در حالی که ادبیات عمومی به صورت یک اصطلاح گنگ باقی مانده است.

رهیافت چهارم. رویکردهای معاصر: نویسنده به عنوان مقدمه شرح این رهیافت می‌نویسد: «در عصر جدید مخالفت‌های زیادی با آنچه ممکن است انعطاف‌ناپذیری در روش‌شناسی ادبیات تطبیقی نامیده شود، ابراز می‌گردد. پیش از این مخالفت‌های عمده بر پایه شبه‌افکنی در حقیقت وجود یک شخصیت منحصر به فرد برای روش ادبیات تطبیقی و هدف و آرایش آن در میان سایر عرصه‌های تحقیق ادبی استوار بود. امروزه رویکرد مکتب آمریکایی به سوی توسعه فراگیر مفهوم ادبیات تطبیقی است تا با عبور از شرط وجود یک رابطه دو جانبه، تطبیق میان ادبیات

گونگون را دربرگیرد. همچنین در بین آمریکایی‌ها کسانی وجود دارند که وظیفه مطالعه روابط میان ادبیات و دیگر شاخه‌های شناختی به ویژه در زمینه هنر و علوم انسانی را به ادبیات تطبیقی محول می‌کنند، مثلاً از نظر «رماک» (Remak) (برجسته‌ترین پژوهشگر آمریکایی در عرصه ادبیات تطبیقی) می‌توان ادبیات تطبیقی را این گونه تعریف کرد: مقایسه ادبیاتی معین با یک یا چند ادبیات دیگر و مقایسه ادبیات با حوزه‌های دیگری از بیان انسانی».

نویسنده پس از آن به ذکر شبیهاتی در این زمینه می‌پردازد و دیدگاه برخی از صاحب‌نظران را ذکر می‌کند که براساس آن، ادبیات تطبیقی باید تا آن جا گسترش یابد که زیبایی‌شناسی را نیز دربر گیرد. این گروه، شرط وجود یک پیوند تاریخی یا تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در حوزه ادبیات تطبیقی ضرورت نمی‌دانند، بلکه همسانی‌های زیباشناختی و شاعرانه را اساس تحقیق و ابزاری برای کشف عنصر مشترک در سطح بشریت به حساب می‌آورند. به بیان نویسنده، این رویکرد در خلال هشتمین کنفرانس انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی (بوداپست ۱۹۷۶ م.) قدرتمند ظاهر شد.

در گفتار سوم کتاب، دیدگاه‌های صاحب‌نظران آمریکایی را در ارائه راه‌حل پایان دادن به مشکل ادبیات تطبیقی ذکر می‌کند. رنه ولک و رماک از صاحب‌نظرانی‌اند که دیدگاه‌هایشان در این گفتار مورد بررسی قرار گرفته است. مسئولیت حیاتی ادبیات تطبیقی از دیگر مباحثی است که در این گفتار به آن اشاره شده است. گفتار چهارم این فصل نیز به طور کامل به ادبیات تطبیقی از منظر عربی، اختصاص یافته است.

فصل دوم کتاب، شامل دو گفتار می‌باشد که در گفتار اول مباحثی چون گسترش پژوهش‌های تطبیقی در قرن بیستم و شکوفایی ادبیات تطبیقی در آمریکا بررسی شده است. در این گفتار ضمن ریشه‌یابی پیدایش ادبیات تطبیقی در دهه سوم قرن نوزدهم میلادی، سیر تکاملی آن در فرانسه، انگلیس، نیوزیلند، آلمان و ایتالیا به طور خلاصه دنبال شده است. سپس نویسنده به مسأله گسترش مطالعات تطبیقی در قرن بیستم پرداخته و وضعیت مطالعات تطبیقی در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، انگلیس و آلمان را به طور مفصل‌تری بیان کرده است.

در گفتار دوم این فصل، توجهات معاصر به ادبیات تطبیقی محور سخن است. فعالیت‌ها و کنفرانس‌های انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی (AILC) در این خصوص به طور مشروح بررسی شده است.

فصل سوم کتاب نیز که به ادبیات تطبیقی عربی اختصاص دارد در دو گفتار به رشته تحریر درآمده است. در این فصل زمینه‌ها و محدوده پیدایش ادبیات تطبیقی در قرن نوزدهم و

حدیث به دست ما رسیده است، از این روست که امت اسلامی از همان آغازین روزهای طلوع اسلام با نهایت اخلاص و ایمان پس از قرآن اهتمام فراوانی به حدیث داشتند.

پس از آشنایی جهان اسلام با پدیده استشراق و اطلاع از آرا و نظریات مستشرقین دروازه فعالیت‌های جدیدی فراروی مسلمانان گشوده شد. اعتقاد به تأخیر صدساله نگارش حدیث از نگاه عامه مسلمین از یک سوی و اعتقاد مستشرقین به تولد حدیث از میان اختلافات فرقه‌ای از سوی دیگر (علوم حدیث، ش ۲۸، ص ۱۷ و ۸) دستاویزی برای انکار حدیث از نگاه مستشرقین و بعدها گروه‌های اسلامی همچون القرائون گردید. در پی چنین نظریاتی بود که علمای اسلامی همچون علامه کیلانی به تحقیق درباره تاریخ تفصیلی علم حدیث و نگارش مجموعه‌هایی در این زمینه برای رد شبهات مستشرقین و منکرین سنت پرداختند (ص ۲۵). دانشمندان معاصر برای پاسخ به این گونه آرا و عقاید مجبور به بازنگری در برخی آرا حدیثی خود از جمله تأخیر صدساله نگارش حدیث شدند و نتیجه این تغییر رویکرد در دهه‌های اخیر، اعتقاد به وجود مکتوبه‌های حدیثی در آن عصر شده است (تدوین الحدیث، ص ۶۷).

علامه کیلانی در بخش اول به شرح موضوع مورد بحث پرداخته و در آن از حقیقت حدیث، تعریف آن و تفاوت حدیث با سایر منابع تاریخی سخن می‌گوید. او تعریف مشهور از حدیث را نپذیرفته، بلکه حدیث را یک گنجینه صحیح برای تاریخ بشری برمی‌شمارد. وی معتقد است که امام بخاری نیز چنین تعریفی از حدیث داشته است (ص ۳۱ و ۳۲). عدالت صحابه از آن دسته اموری است که علمای عامه همت بسیار خود را برای اثبات آن معطوف داشته‌اند. نقل حدیث من کذب علی... چنان ترس و خوفی در صحابه به وجود آورد که ایشان را از دروغ عمدی بر پیامبر حذر داشت (ص ۳۸-۴۷). مؤلف نه تنها بر عدالت صحابه تأکید بسیار دارد، بلکه آنها را صاحبان نفوس قدسیه و اولیای خدا و پیامبر می‌داند (ص ۱۸۱ و ۱۸۲).

نویسنده در بخش بعد عوامل طبیعی تدوین حدیث را به بحث می‌گذارد. او به نقل از ابوزرعه رازی تعداد صحابی راوی از پیامبر را بیش از صد هزار نفر دانسته که این کثرت خود موجب افزایش اعتماد به حدیث خواهد بود. کثرت عددی روایت دو نتیجه مثبت به همراه دارد:

- تصحیح فهم غلط و نادرست دیگر روایت؛

- دوری دیگران از دروغ بافی.

مؤلف صحابه را نسخه عملی حدیث نبوی قلمداد نموده که سعی فراوان در سماع احادیث داشته‌اند، به گونه‌ای که برای شنیدن حدیث نبوی از دیگر صحابی رنج سفر را به جان می‌خریدند و نزد وی حاضر می‌شدند (می‌توان گفت که تلاش ایشان حدیث

اوائل قرن بیستم در جهان عرب مد توجه قرار گرفته است. در این بخش از کتاب، همچنین از ادیبان عربی یاد شده است که نقش بسزایی در این زمینه داشته‌اند. در همین گفتار نویسنده به روحی الخالدی و کتاب وی با عنوان ناهمگون «تاریخ علم ادبیات در فرنگ، دنیای عرب و ویکتور هوگو» اشاره می‌کند و وی را طلایه دار ادبیات تطبیقی جهان عرب معرفی می‌نماید. به نقل نویسنده، این کتاب شامل مقدمه‌های تاریخی و اجتماعی ادبیات در میان اروپاییان و نمونه‌های تطبیقی آن در میان عرب و نیز محتوی آن چیزهایی است که اروپاییان از عرب در زمینه ادبیات و شعر به ویژه از طریق ویکتور هوگو اقتباس نموده‌اند.

همچنین در فصل سوم پژوهش‌های تطبیقی پس از روحی الخالدی نیز به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است. اما فصل چهارم و پایانی کتاب نیز سیر گسترش و تکامل تألیف و تدریس ادبیات تطبیقی عربی را شامل می‌گردد. این فصل روند یاد شده را در سه گفتار: شامل مرحله اول (از دهه سی تا اوائل دهه پنجاه) مرحله دوم اوائل (دهه پنجاه تا پایان دهه هفتاد) و مرحله سوم (دهه هشتاد و پس از آن) بررسی می‌نماید.

حافظ نصیری

تدوین الحدیث؛ العلامة السید مناظر أحسن الکیلانی، ترجمه عن الأوردیة العلامة الدكتور عبدالرزاق اسکندر، راجعه و خرج احادیثه الدكتور بشّار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی، الطبعة الأولى، بیروت، ۲۰۰۴م، ۲۸۲ص.

تدوین الحدیث

العلامة السید مناظر

أحسن الکیلانی

بشّار عواد معروف

دار الغرب الإسلامی

بیروت

تحقیق و نگارش در حوزه حدیث و سنت نبوی- این مصدر ثانوی احکام الهی- و بیان اهمیت و کیفیت وصول این میراث گرانبها به ما از دیرباز مورد اهتمام بسیاری از علمای اسلامی بوده است.

علوم جانبی قرآن همچون شأن نزول، تفسیر، شرح آیات احکام، بیان مجملات و تعیین مبهمات آیات قرآن و ... همه و همه از حدیث برداشت می‌گردد. سیره پیامبر، خلق مبارک، اقوال، افعال، سنن، احکام و ارشادات وی همگی از رهگذر

عالی السند را فراهم می‌آورد) یا به دنبال استماع شنیده‌های خود از دیگر صحابه برای تقویت آنها بودند (در علم مصطلح الحدیث به این حدیث متابع گویند)؛ از این رو بخش معظم احادیثی که به دست ما رسیده است به واسطه فزونی صحابه و کثرت نقل‌های متواترند یعنی از صدها طریق به دست ما رسیده است (ص ۴۱-۶۶).

در بخش دیگر کتاب از نگارش احادیث به دست صحابه و مباحثی همچون مدت عهد صحابه، حافظه قوی صحابه و محدثین و روش حفظ حدیث نزد تابعین سخن رفته است. در این میان برخی نگاشته‌ها و مکتوبات به دستور خود پیامبر و در عهد نبوی نگاشته شد که می‌توان از برخی از آنها بدین گونه یاد کرد: ۱. مجموعه وائل بن حجر در احکام نماز، روزه، شراب و ریا؛ ۲. خطبه حجه الوداع برای ابی‌شاه؛ ۳. مجموعه‌ای مکتوب برای اهل یمن؛ ۴. ارسال مجموعه‌ای در فرائض، صدقات، دیات و دیگر احکام برای اهل یمن به وسیله عمرو بن حزم؛ ۵. مجموعه‌ای از احکام شرعی برای علی (ع) که وی آن را در غلاف شمشیر خود نگهداری می‌نمود. افزون بر تواتر نقلی و عملی احادیث، غالب روایات موجود به دست خود صحابه تدوین یافته و این ثروت عظیم از طریق تواتر عملی و نقلی با احادیث متابع و شاهد به صورت مکتوب از عهد خود صحابه سلسله وار برای دیگر طبقات مسلمین نقل شده است. از جمله این صحابه می‌توان به ابوهریره، عبدالله بن عمرو، انس و جابر بن عبدالله انصاری اشاره کرد که به نگارش احادیث پرداخته و صاحب مکتوبه‌ای از آنها بودند، همچنین احادیث منقول از ابن عباس و ابن عمر را شاگردان ایشان به صورت مکتوب درآوردند (ص ۶۸-۷۹). باید گفت که صحابه و تابعین به حفظ حدیث همچون حفظ قرآن اهتمام داشتند و به نگارش احادیث می‌پرداختند. تابعین پس از به یاد سپردن احادیث، مکتوبات خود را محو می‌نمودند. ایشان برای حفظ و نگهداری احادیث تنها به حافظه اکتفا ننموده، بلکه پس از اتمام جلسات اقرای حدیث به مباحثه درباره آنها در حلقه‌های کوچک میان خود می‌پرداختند (ص ۹۱-۹۴).

بحث بعدی که از آن سخن گفته می‌شود موالی و محدثین است. اسلام نه تنها موالی را از نیل به مقاصد والا باز نداشت، بلکه در این مسیر دستان این طبقه مظلوم را به نشانه یاری فشرده. اشتغال مسلمین به درگیری‌های سیاسی موالی را در راه خدمت و حدیث به پا داشت، لذا در طول تاریخ بسیار دیده شده است که مسلمانان برای تعلیم احادیث نبوی ناگزیر از مراجعه به این گروه بودند. مؤلف زنده ماندن حدیث و تهی بودن آن از مجعولات را از جمله دستاوردهای موالی می‌داند (ص ۱۲۰-۱۶۲).

علامه کیلانی پس از این بحث به بیان چند مقدمه در باب

حدیث می‌پردازد: ۱. یادسپاری اقوال و الفاظ از به خاطر سپردن وقایع دشوارتر است؛ لذا اگر در مورد کسی گفته می‌شود که او مقدار بسیاری از احادیث نبوی را به یاد داشته، بدین معنا نیست که تمام آنها اقوال پیامبر (ص) بوده بلکه بسیاری از آن شامل افعال و تقریرهای پیامبر است. ۲. تعداد احادیث منقول از تک تک صحابه از صد حدیث کمتر بوده مگر تعدادی اندک و محدود، میان ۲۰-۲۵ تن از صحابه را می‌توان یافت که بیش از صد حدیث نقل نموده‌اند. ۳. این عقیده که صحابه هر گاه حدیثی را استماع می‌کردند آن را به یاد می‌سپاردند، اندیشه‌ای سخت غلط و به دور از واقعیت است (ص ۱۶۳-۱۶۶).

سپس مؤلف به اشکال و صور مختلف نگهداری حدیث در سال‌های میان صحابه و صاحبان کتب سته پرداخته و به حافظه سپردن را با توجه به شرایط موجود در آن عصر تنها وسیله در این سال‌ها می‌داند، به دیگر سخن حدیث در این سال‌ها به صورت مکتوب درنیامد. به یاد سپردن و نگارش حدیث دو شیوه انتقال آن به نسل‌های بعدی است که هر کدام از این دو شرایط و لوازم خود را داراست، که اگر این شروط هر یک به هنگام نقل حدیث رعایت شود هیچ تفاوتی میان این دو شیوه و اعتماد به آن وجود نخواهد داشت. البته باید گفت که بهترین شیوه، چنانچه گذشتگان همچون صحابه از آن سود جستند، به کارگیری همزمان هر دو شیوه است که در این صورت هر شیوه نواقص موجود در آن دیگری را مرتفع خواهد نمود. از سوی دیگر باید توجه داشت که محدثین در گذشته به هنگام ضرورت در گزینش یکی از دو شیوه فوق، راه به یاد سپردن را پیشنهاد می‌نمودند، چرا که در این روش شکل ظاهری و معنای الفاظ حفظ شده و اطمینان بیشتری به دنبال خواهد داشت. جاهلانه است که کتابت را با توجه به مشکلاتی که در قرائت و نگارش همچون تصحیف، تحریف و... وجود دارد تنها وسیله نگهداری و اعتماد بر حدیث بدانیم. محدثان نیز با توجه به همین مطلب شاگردان خود را به مقابله نسخ فراخوانده یا قواعدی را در بحث کتابت حدیث وضع نمودند (ص ۱۶۷-۱۷۹).

خبر واحد و جایگاه آن میان میراث حدیثی مسلمانان بحث دیگری است که در این کتاب بدان پرداخته شده است. تردیدی نیست که هر چه از پیامبر به تواتر به دست مسلمین رسیده با آنچه که از طریق خبر واحد انتقال یافته - چنان که بسیاری از احادیث صحیح این گونه‌اند - برابر و مساوی نمی‌باشد و تقسیم خبر واحد به صحیح، حسن و ضعیف از سوی محدثین خود دلیلی واضح بر این مدعای روشن است. مؤلف امور دینی را به دو دسته بینات و غیر بینات تقسیم می‌کند. او از آن دسته از اجزای دین که شاکله و ساختمان اصلی دین را تشکیل داده و به صورت نسل به نسل به

حدیث در جامعه اسلامی می‌داند (ص ۲۱۶). اما باید توجه داشت که این پیش‌گویی نبوی بیش از همه بر تن ابوبکر برانده‌تر است. ر. ک: علوم حدیث، ش ۵، ص ۱۱ و ۱۲ (مقاله منع تدوین، توجیه‌ها و نقدها، استاد مهدوی‌راد). نگارنده کفایت قرآن در همه امور را مغالطه‌ای بیش‌ندانسته و در ص ۲۲۳ دلایل قرآنی بر حجیت حدیث را گزارش می‌دهد.

سپس نگارنده به بحث مهم تاریخ تدوین حدیث در عصر نبوی و خلفای راشدین پرداخته است. او در بحث تدوین حدیث در عصر نبوی سخنان خود را مبتنی بر وجود مکتوبات حدیثی همچون صحیفه عبدالله بن عمرو و صحیفه انس بن مالک تکرار می‌کند و در ادامه می‌نویسد که پس از نهی نبوی از کتابت حدیث، صحابه نگاهاشته‌های خود را سوزانده و دیگر به گردآوری احادیث در مجموعه‌ای مکتوب نپرداختند (ص ۲۲۴-۲۳۰).

ابوبکر به حدیث سه رویکرد اساسی داشت:

۱. برای پابرجا ماندن افتراق میان احکام مستفاد از بینات دین و اخبار آحاد از سنت و مصلحت نبوی پیروی نموده و مجموعه حدیثی خود را (حدود پانصد حدیث) آتش زد؛ به عبارت دیگر ابوبکر را می‌توان احیاگر اندیشه نبوی در جهت بقای این افتراق لقب داد. ۲. وضع قانون شهادت در جهت اطمینان بیشتر به صحت حدیث. ۳. با استفاده از نمونه‌های عملی موجود در سیره نبوی در رفع اختلاف قرائات میان مسلمین به از بین بردن خطرات موجود در احادیث منقول از طرق خاص میان آگاهان و ناآگاهان به آن احادیث همت گماشت. اختلافات موجود در عهد نبوی زاینده اختلافات فکری و اجتهادی مسلمین بود. این سخن ابوبکر «إنکم تحدثون عن رسول الله (ص) احادیث تختلفون فیها، والناس تختلفون بعدکم أشدّ اختلافاً، فلا تحدثوا عن رسول الله (ص) شیئاً، فمن سألکم فقولوا: بیننا و بینکم کتاب الله، فاستحلّوا حلاله و حرّموا حرامه» به همین مطلب اشاره دارد. اختلاف در احادیث پس از اختلاف قرائات دو مین اختلاف شایع میان مسلمین بود که ابوبکر با آینده‌نگری و دفع خطر آن و حفظ وحدت جامعه اسلامی این سخن را بیان داشت. البته باید گفت که صحابه و مسلمین هیچ‌گاه به این پیشنهاد ابوبکر عمل ننمودند (ص ۲۳۱-۲۷۵).

عمر از جمله مکثرین در میان صحابه است که بیش از پانصد حدیث با طرق متعدد از او نقل شده است. شیوه احتیاطی عمر در زمینه حدیث عبارت بود از «لا ینسب الی النبی (ص) ما کم یقله». از جمله مهم‌ترین ماجراهایی که از عصر خلافت عمر بر سر زبان‌هاست داستان زندانی کردن سه تن از صحابه بزرگ پیامبر به دست اوست که نشانگر منع نقل حدیث از جانب

نقل و عمل همگان انتقال یافته به بینات دین تعبیر می‌کند و معتقد است که ابزارها و تلاش‌هایی که برای حفظ، نقل و انتشار بینات دین فراهم بود هیچ‌گاه برای غیر بینات فراهم نبوده است و از همین روست که احکام مأخوذ از اخبار آحاد با مسائل برگرفته از بینات دین برابری نمی‌کند. در عصر نبوی و صحابه، اهتمام به حفظ و انتشار بینات دین به نسبت سایر امور مرتبط به اخبار آحاد بیشتر نمایان است، نه به دلیل عدم اهتمام مسلمانان قرن اول یا کمبود ادوات نگارشی، بلکه چنین برخوردی با این دو دسته مسائل دینی حساب شده و منطقی می‌نماید (ص ۱۸۰-۱۹۸).

مؤلف دلیل نقل اخبار آحاد از جانب افراد اندک را - چنانچه در معنای خبر واحد وجود دارد - چنین می‌داند که این احادیث روایات شخصی بوده یعنی پیامبر (ص) تنها همان راوی حدیث را مخاطب سخن خود قرار داده و خواستار اعلان عمومی آن نبوده است. در بسیاری از همین موارد صحابی جواز نقل شنیده خود را از پیامبر (ص) جویا شده که حضرت اجازه نقل به وی نداده است (ص ۱۹۹-۲۰۳).

در باب جواز نگارش حدیث از سوی پیامبر (ص) مسلمانان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروهی جواز آن از سوی پیامبر را پذیرفته و معتقدند حضرت افرادی را به نگارش مکتوباتی برای مناطق و اشخاص مختلف امر نموده، اما گروه دیگر برآنند که پیامبر از نگارش حدیث منع کرده و دلیل این اندیشه خود را این روایت از پیامبر می‌دانند: «مَنْ كَتَبَ عَنِّي شَيْئاً غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلَيْمَحَهُ». اما در پاسخ به این گروه دوم باید گفت که همین روایت دلیلی است بر وجود کتابت حدیث در عصر نبوی. از سوی دیگر احادیث بسیاری همچون داستان خطبه حجة الوداع و نگارش آن برای ابی‌شاه و «قیدوا العلم بالکتابه» دلایل نقلی دیگری است بر امر نبوی به کتابت حدیث. راز و رمز نهی نبوی از نگارش سخنان وی و محو نگاهاشته‌ها آن است که پیامبر (ص) با منع کتابت هر چیزی جز قرآن اهداف چندی را پی می‌نمود:

۱. آسان‌گیری بر مسلمانان؛ مردم با نقل و استماع احادیثی که پیامبر آنها را تنها برای شخص واحدی بیان نموده به تعمیم این احادیث برای همگان حکم نموده و با عمل به مضمون آنها گرفتار مشقت خواهند شد.
۲. وجود تمایز و تفاوت میان احکام مستنبطه از قرآن و حدیث.
۳. اهتمام بسیار مسلمین به قرآن و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر.
۴. جلوگیری از خطر رواج کتابت حدیث به طور عام همچون کتابت قرآن.

مؤلف پیشگیری از اختلاط قرآن و حدیث را نظری بعید در سبب منع کتابت حدیث می‌داند (ص ۲۰۳-۲۱۵). نویسنده مصداق حدیث اریکه و پیش‌گویی‌های نبوی را منکرین امروزی

اوست. البته در صحت انتساب آن واقعه به عمر تردید وجود دارد. چنان‌که از کلام عمر آشکار است او به منع از اکتشار حدیث پرداخته و نه منع کتابت و نقل، به عبارت دیگر عمر در صدد آن بوده است که روایت تنها احادیث یقینی منتسب به پیامبر را نقل نمایند. منع اکتشار حدیث در سخن عمر متوجه ایام و حوادث عصر نبوی، افعال دیگران که در حضور پیامبر (ص) انجام شده و احادیث با مخاطب خاص است نه احادیث سنن. باید گفت که این حرکت عمر ادامه حرکت پیامبر و ابوبکر در ابقای تمایز میان دو جزء بینات و غیر بینات دین است. از دیگر مسائل مهم در تاریخ خلافت عمر اراده‌ی وی بر تدوین حدیث و سپس کنار نهادن آن است. عمر در ابتدا تصمیم به نگارش احادیث گرفت و صحابه را به مشورت در این زمینه فراخواند که ایشان نیز او را به این امر تشویق نمودند. او برای اطمینان قلبی خود به استخاره متوسل شد و پس از استخاره تصمیم به کنار نهادن این عمل نمود، چرا که او خطر قوت یابی احکام مأخوذ از اخبار آحاد را در این صورت همچنان پابرجا می‌دانست. بدین ترتیب او امر به جمع‌آوری مجموعه‌های حدیثی دیگران داد و سپس خود همه آنها را به آتش کشید و این سوزاندن مکتوبات حدیثی به دستور عمر پس از عمل مشابه آن از سوی پیامبر و ابوبکر، سومین حرکت در این زمینه محسوب می‌گردد (ص ۲۷۶-۳۱۲).

جمع‌آوری قرآن در مصحفی واحد در عصر خلافت عثمان به پایان رسید. اشتغال عثمان به توحید مصاحف سبب آن شده است که مورخان حادثه خاص و مهمی را از عثمان در زمینه تدوین حدیث نقل ننمایند. از عثمان سخنی منقول است که می‌توان گفت اشاره بدان دارد که او احادیث بسیاری از پیامبر در حافظه داشته، اما به سبب مطمئن نبودن به حافظه درست شنوندگان و بیم از آخذ ناصحیح گفته‌های وی و انتساب دریافت‌های نادرست خود به پیامبر در تکثیر و نقل این روایات راه احتیاط را برگزیده است (ص ۳۱۳-۳۱۶).

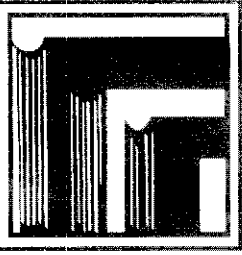
مؤلف سپس به تاریخ حدیث در عهد علی (ع) می‌پردازد. از مجموعه روایات و احادیث این گونه به نظر می‌رسد که علی (ع) در طول خلافت خود دو گونه مختلف برخورد با حدیث داشته است: قلت در نقل احادیث؛ نقل حدیث و شنیده‌های خود از پیامبر (ص). درباره تغییر رویکرد این چنینی علی (ع) باید گفت که در اواخر عمر عثمان حرکت مخفیانه خطرناکی میان مسلمین برای از بین بردن هیمنه اسلام به سرکردگی یهودیان یمن شکل گرفت. دروغ بستن بر پیامبر (ص) برای مقابله با احادیث او و صحابه، آخرین دستاویزی بود که آنها برای رسیدن به هدف شوم خود دنبال نمودند. در این میان نخستین کسی که علیه صحابه

سخن گفته و به دروغ احادیثی را به پیامبر (ص) نسبت داد عبدالله بن سباست. فتنه انگیزی‌های گروه سبثیه که در دل سپاه علی (ع) نفوذ کرده اند آتش جنگ‌های جمل، صفین و خوارج را برافروخت. این گروه در تمام بلاد اسلامی همچون کوفه، بصره، شام، حجاز و مصر دروغ‌های خود را منتشر نمودند (مؤلف به گونه‌ای مخفی و پنهان در صدد آن بود نشان دهد که عقاید امروزی شیعه همان عقاید و نظرات ابن سبا و طرفدارانش است). علی (ع) پس از اطلاع از توطئه و صحابه ستیزی این گروه چندین اقدام را انجام داد: اجرای حد الهی بر ایشان؛ نصیحت و رد سخنان این سبا در مقابل انظار عمومی؛ اخراج این سبا از کوفه؛ سوزاندن برخی از افراد گروه سبثیه.

فتنه سبثیه ناخواسته فتنه دیگری را بنیان نهاد بدین گونه که برخی از مسلمانان همچون ابن عباس در جهت مبارزه با این گروه، نقل روایات نبوی را کنار نهادند.

علی (ع) راه علاج این فتنه‌ها و شبهات را در تغییر رویه خود یعنی انتشار عمومی شنیده‌های خود از پیامبر (ص) و افعال و سیره نبوی یافت و این بهترین تدبیر برای دور نمودن افکار و روایات سبثیه از جامعه اسلامی بود که علی (ع) آن را اتخاذ نمود. معیار دیگری که علی (ع) برای تمیز روایات صحیح از مجموعه‌های ارائه نمود این سخن وی است که «حدثوا الناس بما یعرفون و دعوا ما ینکرون». چنان‌که از این سخن برمی‌آید علی (ع) اعتقاد داشت که می‌بایست احادیث مخالف عقل و فهم قرآنی به کناری نهاده شود. با اتخاذ این راهکارها جاعلین حدیث به گوشه‌ای خزیدند و در صدد فرصتی مناسب برای حرکت دوباره خود بودند که سرانجام این فرصت را پس از شهادت علی (ع) یافتند و به جعل و انتساب احادیث به پیامبر (ص) دست زدند و نه تنها به انتشار آنها پرداختند بلکه کتاب‌های خودنوشت را به علی (ع) نسبت دادند.

این کتاب از فهرست بسیار خوبی در احادیث نبوی، شخصیت‌ها، نام کتب موجود در متن، فرق، اقوام و مکان‌ها برخوردار است. کتاب را نویسنده به زبان اردو نگاشته که به سال ۱۴۱۴ ق ترجمه آن به دست دکتر عبدالرزاق اسکندر به پایان رسید. دست‌نوشته‌های مترجم در سال ۱۴۲۲ ق جهت بازنگری و تعلیق در اختیار استاد بشار عواد معروف قرار گرفت و سرانجام به سال ۲۰۰۴ م برای نخستین بار انتشارات دارالغرب الاسلامی آن را به زیور طبع آراست. زبان ساده و شیرین کتاب، انسجام خاص در طرح موضوعات و ارائه مباحثی زیبا و جدید در تاریخ تدوین حدیث آن را جذاب و خواندنی نموده که مطالعه یک صفحه آن خواننده را تا پایان با خود به همراه خواهد برد.



معرفی های گزارشی

عربی است، او نه تنها احیاگر و مصحح آثار آنان، بلکه شارح منتقد و مدافع معتقد جریان تفکر عقلی و اشراقی تاریخ اسلام بوده و با جدیت تمام با تحجر فکری به مبارزه پرداخته و به پیشرفت فکر و فرهنگ اسلامی کمک شایانی کرده است. گردآورنده به پاس برخورداری از حرمت فضل استاد و ارتباط عاطفی ای که با وی داشته، به سفارش مسئولان فرهنگی استان مرکزی اثری را فراهم آورده که بخش نخست آن به زندگی نامه و معرفی آثار استاد اختصاص یافته و در بخش دوم گزیده ای از مقالات و مصاحبه های وی درج گردیده. اما دو بخش بسیار مهم رساله یاد شده حاوی دو مقاله از مؤلف است که حکایت از آشنایی دیرین مؤلف با علامه آشتیانی دارد و حاوی نامه های پر نکته و خاطرات شیرین و تحلیل ابعاد شخصیتی وی است.

مقاله پایانی را دکتر سید حسن اسلامی به درخواست مؤلف با عنوان «آشتیانی و سنت فلسفه ستیزی» نوشته است و در آن سه محور سنت فلسفه ستیزی مسیحی، سنت فلسفه ستیزی در جهان اسلام و فلسفه ستیزی در سنت شیعی را به بحث کشیده است.

منشأ هلاکت است. و قوف بر ظاهر و عدم عبور از آن برای رسیدن به باطن، اساس انکار نبوت و ولایت است، نخستین کسی که قوف بر ظاهر را پیشه خود ساخت شیطان بود. شیطان با ظاهر بینی، نوریت نار را با ظلمت گل مقایسه کرد و از ظاهر گل به باطن آن رسید تا نوریت آن را مشاهده کند و برتری نوریت آن را بر نوریت نار مشاهده نماید» (ص ۱۹).

گذشته از انسجام و پیوند استوار مطالب، ویژگی عمده این اثر داشتن نثری روان و دلنشین است، مخاطب از خوانش آن دلزده و ملول نمی گردد، هر چند موضوع و درون مایه آن سنگین باشد.

◀ جلال حکمت و عرفان، یادنامه استاد علامه سید جلال الدین آشتیانی محمدجواد صاحبی، چاپ اول، انتشارات احیاگران، قم، ۱۳۸۴ ش.

کتاب یاد شده که پس از رحلت استاد علامه سید جلال الدین آشتیانی انتشار یافته است، زوایایی از زندگی و آثار فیلسوف و عارفی را به نمایش گذارده است که بی تردید وارث دانش و اندیشه حکیمان و متألهان بزرگی چون ابوعلی سینا، صدر المتألهین شیرازی و محیی الدین

◀ فلسفه و کلام

◊ تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر متون دینی از دیدگاه امام خمینی

محمد رضا ارشادی نیا، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴، ۱۵۹ ص، رقعی.

این نوشتار بر سه فصل بنیاد دارد؛ فصل اول به روش شناسی اندیشه امام می پردازد و فصل دوم درباره خدا و انسان و جهان است که بدون فکر فلسفی و ذوق عرفانی تبیین درستی نمی یابند و فصل سوم گزینش برخی واژه های متون دینی است، واژه هایی که هر بحث و نظری درباره آنها نیازمند آگاهی از نظریه های فلسفی می باشد، واژه هایی چون آیه، اسم، امر بین الامرین، تفویض، جبر و تهلیل و تسبیح. بنای مؤلف این است که شرح و تبیین این کلمات را از آثار امام استخراج نماید، البته گوشزد کرده «در دیدگاه امام، فلسفه و وحی، منطبق بر یکدیگرند، به گونه ای که تعبیر به موازات و دویت مجازی ... آشکارترین نمود همگرایی وحی و فلسفه در اندیشه امام، تفسیر سوره مبارک توحید است» (ص ۱۷) یا نوشته «در نگاه امام، ظاهر بینی اصل و اساس همه جهالات و

◀ قرآن و حدیث

◇ شناخت‌نامه قرآن

محمد جواد صاحبی، چاپ اول، انتشارات احیایران، قم، ۱۳۸۲.

مجموعه یاد شده مقالاتی است که به سفارش گردآورنده از سال ۱۳۶۸ ش به قلم گروهی از قرآن پژوهان نامدار تألیف گردیده و بخشی از آن به مناسبت پانزدهمین قرن ختم نزول قرآن و به مناسبت مبعث خاتم پیامبران در ویژه‌نامه کیهان اندیشه به چاپ رسیده است؛ اینک پس از بازنگری به پیوست مقالاتی دیگر در دو مجلد تقدیم علاقه‌مندان علوم قرآنی می‌شود. جلد نخست این مجموعه مقالاتی است پیرامون شناخت قرآن کریم که با مقاله «قرآن صامت از زبان قرآن ناطق» به قلم دکتر سید جعفر شهیدی آغاز می‌شود. دکتر شهیدی در این مقاله کوشیده است عظمت قرآن را از زبان علی (ع) بیان نماید و برای این منظور قسمت‌هایی از نهج البلاغه را که درباره قرآن کریم است با ترجمه‌ای تازه تنظیم نموده است.

پس از این طلعه زیبا، علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی «تاریخ تدوین قرآن» را در سه محور نگارش کرده: اهتمام پیامبر به جمع‌آوری قرآن؛ عرضه قرآن به رسول خدا (ص)؛ ختم قرآن در عصر پیامبر. این سه مبحث با ادله متقن به اثبات رسیده است. مباحث دیگری پیرامون مصادر فهم قرآن، ترتیب سوره‌های قرآن، علل پراکنده به نظر آمدن قرآن، ارتباط و تناسب آیات در قرآن، قرآن و قرائت متواتر آن از نویسندگان و قرآن پژوهان فعال درج گردیده که نام دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، عبدالهادی فقهی‌زاده و دکتر محمدباقر سعیدی روشن از دیگران معروف‌تر است.

اعجاز بیانی و اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن را نیز آقایان دکتر محمد علوی مقدم و دکتر عباس یزدانی تحلیل کرده‌اند.

آیت‌الله محمدهادی معرفت نیز با مقاله «نقش آهنگ در تلاوت قرآن» اهمیت نظم موسیقائی آیات و شیوه تلاوت آنها را گوشزد نموده است.

آیت‌الله معرفت در مقاله دیگری متشابهات در قرآن را تحقیق و تحلیل کرده است اما بحث متشابهات را دانشمندان دیگری با دیدگاه‌های گوناگون ادامه داده است؛ دکتر سید علی موسوی بهبهانی «نقد و بررسی نظرات مهم در متشابهات قرآن» را به عهده گرفته و در پی آن نقدی بر دیدگاه او از جانب دکتر محمدهادی مؤذن جامی زده شده است. تشکیک در مراتب کلام الهی و نفی مشاجرات متکلمان اسلامی عنوان مقاله‌ای است از دکتر مهدی دهباشی. مطالب عمیق دیگری از علامه حسن زاده آملی، سید عباس قائم مقامی، مهسا فاضلی، دکتر سید حسین سیدی، علی ربانی گلپایگانی، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی در این جلد به نگارش درآمده است.

جلد دوم این مجموعه به بررسی تفاسیر قرآن اختصاص یافته است و مقالاتی با عناوین رسائلی درباره تفسیر و علوم قرآن منسوب به اهل بیت (ع)، مفسران نامدار قرآن، شأن نزول‌های مجعول زمینه‌ساز تفسیرهای ناروا، تفسیر رمزی کعب الاحبار، تفسیر عیاشی و مؤلف آن، مکتب عقل در تفسیر ابن‌ماهیاری، اهل بیت رسالت در تفسیر طبری، بحثی درباره تفسیر التبیان، پژوهشی پیرامون تفسیر قمی، سیمای کلامی تفسیر تبیان، مقدمه‌ای بر مباحث تفسیری سید مرتضی، پژوهشی در تفسیر علمی قرآن کریم، ویژگی‌های المیزان، تفسیرهای

موضوعی معاصر، وجوه تمایز تفسیرهای معروف و ترجمه‌های اروپایی قرآن به نگارش درآمده است.

◇ حدیث تلاش، کتاب‌شناسی توصیفی محمد محمدی‌ری‌شهری

به کوشش معاونت اطلاع‌رسانی مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴، ۱۲۲ ص.

«حدیث تلاش» نگاهی به سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیری است که اکنون به بار نشسته است. این مجموعه عهده‌دار معرفی آثاری است که غالب آنها را کتاب‌های حدیثی تشکیل می‌دهند، نوشته‌ها و آثاری که رسانشان آسان‌یاب کردن، زودفهم نمودن و همگانی کردن یکی از دو منبع اساسی دین (حدیث) است.

در «حدیث تلاش» چهل عنوان از آثار آیت‌الله محمدی‌ری‌شهری، ریاست محترم مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، شناسانده شده است. شاکله اصلی این آثار را قرآن و سخنان و سیره رسول اکرم (ص)، امیر مؤمنان (ع) و ائمه معصوم (ع) تشکیل می‌دهد، پاره‌ای را نیز کتاب‌های کلامی و بخش کوچکی را هم مباحثی از تاریخ معاصر به خود اختصاص داده است.

انتشار نخستین اثر آیت‌الله ری‌شهری به سال ۱۳۹۱ ق مطابق با ۱۳۵۰ ش باز می‌گردد که با عنوان بحث‌هایی درباره خدا از سوی انتشارات پیام اسلام به چاپ رسید.

در آغاز این مجموعه، زندگی‌نامه کوتاهی از پدیدآورنده درج شده، سپس تألیفات وی به صورت توصیفی گزارش گردیده است. برخی از این آثار به زبان‌های مختلف ترجمه شده یا تلخیص‌هایی از آنها فراهم آمده است که در پایان معرفی هر اثر به مشخصات

کتاب شناختی آن اشاره شده است. همچنین در پایان مجموعه، فهرست آثار ترجمه یا تلخیص شده به صورت جداگانه آمده است.

گفتنی است این مجموعه تنها معرفی آثاری از مؤلف را در بر می‌گیرد که تا پایان اردیبهشت ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است و سایر آثار مؤلف در این دفتر نیامده است که مراحل تألیف یا آماده‌سازی انتشار را سیر می‌کنند.

◇ فرمان مالک اشتر

ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضا حسینی علوی آوی، چاپ اول، بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، قم، ۱۳۸۲، ۱۷۴ ص، رقعی.

اهمیت فرمان امیرالمؤمنین به مالک اشتر این است که مجمل و کوتاه به وظایف حاکم و فرمانروا در قبال جامعه می‌پردازد و چون حاکم و محکوم همیشه تاریخ بوده‌اند و خواهند بود محتوای این فرمان کهنگی نخواهد پذیرفت و در هر دوره‌ای می‌تواند سودمند واقع شود و اگر اهل قلم بسیاری از جمله حسین محمد علوی به ترجمه آن دست یازیده‌اند باید علت آن را در همین اهمیت جست. ترجمه آوی نخستین و قدیمی‌ترین ترجمه موجود است، منتها چون آوی هنگام ترجمه به تصنع و آرایش سخن خویش تمایل داشته از تأمل کافی در معانی و رعایت جانب امانت باز مانده است و اگر کاستی‌هایی در ترجمه وی دیده می‌شود باید علت آن را در همین عامل جست. مصحح محترم درباره آوی می‌نویسد: «آوی منسوب به آوه (=آبه، آوج، شهری بر سر راه قزوین به همدان) همان کسی است که رساله «محاسن اصفهان» مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی را ترجمه‌ای آزاد کرد و اشعاری به فارسی و عربی و اطلاعات فراوانی از

معلومات و مشاهدات خود بر آن افزود و بدین ترتیب در باب اوضاع تاریخی و جغرافیایی قرن هشتم اصفهان منبعی ارجمند و در نوع خود بی‌نظیر پدید آورد».

◀ فقه و حقوق

◇ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت

محمد جواد مروجی طوسی، چاپ سوم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ۲۸۸ ص، وزیری.

فرزند چه حقی بر گردن پدر و مادر دارد و والدین چگونه باید آن را گزارند که در بارگاه حق تعالی پاسخگو نباشند، آیا گذاشتن نام نکو، او را از آلودگی‌های اجتماع دور داشتن و آموزش قرآن و ... حق وی است و پرورش‌هایی از این قبیل مؤلف را واداشت در مکتب اهل بیت به تحقیق و تفحص بپردازد و پاسخ آنها را از رفتار و گفتار ائمه معصوم (ع) بگیرد. وی بنیان بحثش را بر هفت فصل گذاشته است، عنوان هر یک عبارت است از: جایگاه فرزندان و مسئولیت والدین؛ رابطه پدر و فرزند؛ ادب‌آموزی و تربیت فرزند؛ دوران بازسازی شخصیت فرزند؛ پرورش ایمان و مذهب؛ فرزند و جامعه؛ دوران بلوغ و جوانی.

گفتنی است آیت‌الله معرفت بر این کتاب مقدمه‌ای نوشته و در اهمیت این موضوع گفته است: «یکی از مهمترین وظایف دینی، اجتماعی که در جوامع اسلامی باید کاملاً رعایت شود و وظیفه پدران و مادران در رابطه با فرزندان است که متأسفانه کمتر رعایت می‌شود و بیشتر پدران و مادران بر این باورند که حقوق خود را نسبت به فرزندان محفوظ بدارند و هرگز فکر نمی‌کنند که شاید فرزندان آنها بر آنان حقوق و واجباتی داشته باشند و باید رعایت شود و در انجام آن کوتاهی نشود».

◇ کنوانسیون زنان

مهدی رئیس‌ی، چاپ اول، نسیم مقدس، قم، ۱۳۸۲.

پیوستن یا نپیوستن به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان موضوعی است که از سال ۱۳۷۶ در دستور کار شورای فرهنگی قرار گرفت. این اثر ضمن بررسی تاریخچه و مروری اجمالی بر محتوای کنوانسیون سعی دارد پیامدهای الحاق به آن را بررسی کند و بر چهار بخش بنیاد دارد: کلیات و مفاهیم؛ بررسی حقوق عمومی زنان و موارد مطابقت و مخالفت مواد کنوانسیون با قوانین داخلی و شرع مقدس اسلام؛ بررسی حقوق خصوصی زنان طبق کنوانسیون و قوانین جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون و نظرات ارائه شده در این رابطه.

بخش اول در دو فصل به تاریخچه و کشورهای اسلامی و غیر اسلامی کنوانسیون و نحوه پیوستن به آن و محتوا و مفادش می‌پردازد. در ضمن از الحاق به معاهدات و تبعیض سخن گفته است. بخش دوم در ده فصل از این موضوع‌ها سخن می‌راند: حق آزادی اندیشه و بیان؛ حق برخورداری از امنیت؛ تساوی در مقابل قانون؛ حق انتخاب کردن؛ حق انتخاب شدن؛ حق اشتغال؛ حق برخورداری از محاکمه عادلانه؛ حق تحصیل و آموزش؛ حق تابعیت؛ حق برخورداری از تأمین اجتماعی؛ خدمات بهداشتی درمانی و بیمه. بخش سوم بر این پنج بخش اساس دارد: حقوق خانوادگی؛ حق مسکن و انتخاب آزادانه محل سکونت و حق داشتن اقامتگاه؛ حق ارث؛ حقوق مدنی و کیفری. اما بخش چهارم از دو فصل تشکیل یافته است: نظر و ادله موافقین الحاق جمهوری

اسلامی به کنوانسیون؛ موانع پیوستن و نظر و ادله مخالفین الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون.

◀ تعلیم و تربیت

◇ حکمت‌نامهٔ جوان

محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴، ۴۶۲ ص، وزیری. جوانی بهترین فرصت زندگی برای خودسازی و سازندگی است و جوانان، ارزنده‌ترین سرمایه‌های جوامع انسانی‌اند، از این رو رشد و بالندگی هر کشور در گرو آموزش و پرورش نیروی جوان آن است و موضوع جوانان در تاریخ بشر همواره مورد توجه رهبران فرهنگی و سیاسی جهان بوده است، همچنین جوان و مباحث ویژه آن از دیرباز، توجه پژوهشگران مسلمان را برانگیخته است.

«حکمت‌نامه جوان» با استفاده از رهنمودهای قرآن و اهل بیت (ع) الگوهای عینی ارزش‌های دینی و اخلاقی را به جوانان ارائه می‌نماید. این مجموعه هم برای جوانان کارا و مفید است و هم برای پژوهشگران و مدیران مرتبط با جوانان.

این مجموعه در پنج بخش اصلی سامان یافته است: نقش دورهٔ جوانی در شکوفایی؛ عوامل شکوفایی جوان؛ موانع شکوفایی جوان؛ حقوق جوان؛ الگوی جوان. هر یک از بخش‌های یاد شده چند فصل را در بر می‌گیرد.

در بخش نخست سه محور زندگی، خودسازی و سازندگی طرح شده است.

بخش دوم به مباحثی چون شناخت، خودباوری، ارتباط با خداوند، دوست‌شایسته، خوشی‌های حلال و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری می‌پردازد.

بخش سوم نیز موانعی چون بیکاری،

اعتیاد، همنشین بد، مستی جوانی، شهوت جنسی، دام‌های شیطان، آفت‌های فرهنگی و... را در خود جای داده است.

چهارمین بخش به حقوق جوان بر والدین و حقوق اجتماعی او پرداخته است.

وپسین بخش الگوهای جوانان را مطرح می‌سازد و در این میان به الگوهایی از قرآن و اهل بیت (ع) و صحابه نیز می‌پردازد.

حکمت‌نامهٔ جوان دومین مجموعه از سلسله نوشتارهایی است که با بهره‌گیری از رهنمودهای حکیمانانهٔ قرآن کریم و سخنان نورانی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به صورت موضوعی برای استفادهٔ اقشار مختلف جامعه تدوین شده است.

این کتاب بدون متن عربی با قطع پالتویی در ۳۸۷ ص نیز منتشر شده است.

◇ امثال و حکم برای همه یا اخلاق مصور

میرزا ابراهیم ضعیف السلطنه، چاپ دوم، احیاگران، قم، ۱۳۸۴.

ابراهیم بن میرزا احمدخان ضعیف السلطنه از فرهیختگان دوره قاجار است که با نثری ساده و روان و درخور فهم همگان این کتاب را به رشتهٔ تحریر کشیده و با حروفی خوشخوان و تصاویری شایان در سال ۱۳۲۷ ق به زیور طبع آراسته است.

مؤلف آن گونه که در مقدمهٔ پر تکلف خود نگاشته، کوششی پیوسته برای توسعهٔ صنعت چاپ و نشر داشته و در همین مسیر کتابی را به دست آورده «مشمتمل بر حکایات و تمثیلات که حکمای فرنگ برای اطفال خود

جمع‌آوری نموده، نصایح را مصور و مجسم ساخته بودند». وی با الهام از اثر

یاد شده به گردآوری حکایات و روایات و نکات حکمی به ویژه با زبان عربی و ادبی به دور از ایجاز مخل و اطناب ممل و خالی از اغراق شاعران و اخلاق‌منشیهان پرداخته و معانی را فدای الفاظ نساخته تا

«عاید اش عام و فایده اش تام گردد و شاید بسند خواص و پسند عوام شود».

نسخه‌هایی از کتاب مزبور به خط نستعلیق و حروف سربی و با چاپ سنگی در کتابخانه‌های قدیمی از جمله کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به دست آمد که مصحح به تصحیح و احیای آن با حفظ اصالت و اسلوب همت گمارده است.

◇ صحیفه سجادیه

ترجمهٔ منظوم محمد مهدی جلالی، شاهرودی، چاپ اول، انتشارات احیاگران، قم، ۱۳۸۲.

مناجات‌های صحیفه در حقیقت زبان دل عاشق دلسوخته و معصومی است که از سرچشمهٔ وحی سیراب گردیده و هر آنچه که دوست داشته و می‌خواسته را در قالب الفاظ به پیشگاه محبوبش عرضه نموده است؛ بنابراین آمیزه‌ای از ادب و حکمت و عرفان بر زبان زیباترین نیایشگر روزگاران جاری شده است.

در عظمت این اثر همین قدر بس که تاکنون علمای بزرگ بیش از شصت شرح بر آن نوشته‌اند و مترجمان و فرهیختگان ایرانی بارها آن را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند و هر کدام به اندازه توان و امکان خود معانی و مفاهیم بلندش را به مخاطبان انتقال داده‌اند، منتها انس و الفت روح و ذوق ایرانیان با شعر سبب گردید جناب محمد مهدی جلالی ترجمه‌ای منظوم از صحیفه ارائه دهد.

◀ تاریخ و شرح حال

◇ تاریخ کامل

علی بن محمد ابن اثیر، ترجمهٔ حمیدرضا آذوب، چاپ اول، اساطیر، تهران، ۱۳۸۳، ۴۷۴ ص، وزیری.

نوشتار حاضر، ترجمه‌ای است از جلد

دوازدهم کتاب تاریخ کامل که طی آن وقایع و رخداد‌های تاریخی ایران و برخی سرزمین‌های اسلامی از سال ۳۳۷ تا سال ۴۰۰ ق به ترتیب و توالی تاریخ و قسوع بازگو می‌شود. کتاب با مبحث «آغاز فرمانروایی معزالدوله بر موصل و بازگشت از آن» شروع می‌شود و با «بازگشت مؤید به فرمانروایی اندلس و فرجام کار او» به پایان می‌رسد. عناوین برخی رویدادهای بازگو شده در کتاب بدین قرار است: ابتدای کار عمران بن شاهین؛ مرگ عمادالدوله بن بویه؛ بازگردانی حجرالاسود از سوی قرمطیان؛ لشکرکشی خراسانیان به ری؛ جنگ مسلمانان و رومیان در صقلیه؛ مرگ منصور علوی و خلافت فرزندش معز؛ رفتن ابوعلی سوی ری؛ مرگ امیر نوح بن نصر و فرمانروایی پسرش عبدالملک؛ جنگ سیف‌الدوله بن حمدان؛ لشکرکشی خراسانیان به ری و اصفهان؛ جنگ سیف‌الدوله در سرزمین روم؛ چیرگی معزالدوله بر موصل و بازگشت از آن؛ پدیدار شدن مستجیرالله؛ ساختن کاخ معزالدوله در بغداد؛ ناسازگاری مردم انطاکیه با سیف‌الدوله؛ غارتن خراسانی و رکن‌الدوله؛ یورش رومیان به سرزمین‌های اسلامی؛ گزارشی از قرمطیان؛ فرمانروایی محمود سبکتکین بر خراسان و رانده شدن ابوعلی از آن؛ پیکار یحیی‌الدوله در هند؛ رویداد ناربی در هند. این ترجمه با شعری تحت عنوان «جاودان خرد» سروده دکتر شفیع کدکنی در ستایش فردوسی به پایان می‌رسد.

◇ زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله امید قنبری، چاپ اول، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، ۱۶۰ ص، رقعی. بخش نخست کتاب گفتگویی است از

امید قنبری با عبدالله انوار در خصوص دانش ریاضی و جایگاه میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ق) در ریاضی عصر قاجار. پس از آن دو مقاله درباره نجم‌الدوله به چاپ رسیده که عبارتند از: نجم‌الدوله دانشمندی جامع علوم و فنون قدیم و جدید؛ خدمات نجم‌الدوله در عهد ناصری. در بخش پایانی کتاب، متن «تشخیص نفوس دارالخلافة» تألیف میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله به چاپ رسیده که تحقیق و گزارشی است از جمعیت دارالخلافة ناصری.

◇ سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب

محمد امین بغدادی، چاپ اول، محبین، قم، ۱۳۸۳، ۴۷۰ ص، وزیری. موضوع این کتاب شناسایی قبایل عرب است که به زبان عربی و در قالب این عناوین تدوین شده است: فضیلت علم النساب و فایده و علت نیاز به آن؛ عرب و تقسیم‌بندی آن قوم؛ شناخت طبقات انساب؛ مساکن قدیمی عرب؛ مسائلی که در علم انساب به آنها نیاز است؛ شناخت برخی از انساب عرب و ترک و روم و سیاهان؛ قبایلی که به قبیله‌ای خاص منتسب نیستند؛ قبایلی که در انتساب آنها به عرب و غیر عرب اختلاف است؛ شناخت ادیان عرب پیش از اسلام؛ برخی افتخارات عرب که میان قبایل آنها مطرح بود؛ روزهای جنگ عرب دوره جاهلیت و آغاز اسلام؛ آتش‌های معروف عرب جاهلیت؛ بازارهای معروف عرب پیش از اسلام.

◇ بازتاب تمدن‌های اشکانی-ساسانی بر سه پادشاهی در شبه جزیره کره؛ میراث‌ها و پیوندهای فرهنگی-قومی ایران باستان با مردم کره شهاب ستوده‌نژاد، چاپ اول، آشنیانه کتاب: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۳، ۲۲۴ ص، رقعی.

مؤلف در این کتاب کوشیده است تأثیرات تمدن‌های اشکانی و ساسانی را بر مردمان و فرهنگ شبه جزیره کره شرح دهد. برای این منظور با اشاره به میراث‌ها و پیوندهای فرهنگی قومی ایران باستان با مردم کره، چگونگی تعامل ایرانیان را با کره‌ای‌ها در طول تاریخ بررسی و ارزیابی کرده است. کتاب در پنج فصل با این موضوعات تدوین شده است: نگاهی اجمالی به مبادلات فرهنگی ایران باستان و مهندهای تمدن در چین و ماچین؛ نقش بودیسم ایرانیزه شده در ظهور شکوفایی شاخه مه‌ایانه در چین و کره و ژاپن؛ پیامدهای ورود ایرانیان باستان به خاور دور و نقش تأثیرات فرهنگی-هنری عصرهای اشکانی-ساسانی در شبه جزیره کره در ژاپن و انعکاس میراث تمدن ساسانی در شرق آسیا و مافوق خاور دور. کتاب با فهرست منابع، فهرست واژگان کلیدی و مختصری درباره نویسنده و تصاویری چند به پایان می‌رسد.

◇ تاریخ تحول دانش ریاضیات و نجوم در چین ژوزف نیدهام، ترجمه همایون صنعتی‌زاده و پرویز شه‌ریز، چاپ اول، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۳، ۳۷۴ ص، وزیری.

آنچه در این کتاب به فارسی برگردانده شده خلاصه‌ای از مباحث ریاضی و نجوم از جلد دوم کتاب «دانش و تمدن در چین» تألیف ژوزف نیدهام است که در آن درباره جغرافیا و تاریخ چین (اعم از دوره‌ها و دودمان حاکم) اطلاعاتی فراهم آمده است. مبحث اصلی کتاب سیر تطور و بررسی رویدادهای مهم در نوشته‌های ریاضیات چین و نیز وضعیت علم ریاضی و هندسه در این سرزمین است که افزون بر آن، منابع نجوم چینی، گاهنامه‌های

باستانی آثار و نوشته‌های نجومی و چند و چون آن در ادوار مختلف و نیز اکتشاف و دستاوردهای علم نجوم در چین معرفی شده است، از جمله: دستیابی به مفهوم فضای بی‌نهایت؛ ابداع و تعبیه نجوم مقدراری و موضعی و فهرست ستارگان؛ کاربرد محور مختصات استوایی؛ ساخت ابزار و آلات رصدی؛ اختراع نیروی محرکه ساعت و ابداع دوربین بی‌عدسی؛ تدوین و نگاهداری بایگانی نجومی. در کتاب حاضر، این پیوست‌ها نیز آمده است: باب ششم از زیج الغ بیگ‌بن شاهرخ؛ فصلی از کتاب «خطای نامه» تألیف سید علی اکبر خطایی.

◊ قیام مختار، علل و چگونگی آن

دیرام حسینی، چاپ اول، پرتو خورشید، قم، ۱۳۸۳، ۷۲ ص، رقی.

در این کتاب، شرح قیام مختار ثقفی یکی از شیعیان امام حسین (ع) بازگو می‌شود که پس از پنج سال از واقعه کربلا به خون خواهی امام، علیه یزدیان قیام کرد و آنان را به سزای اعمال‌شان رساند. گفتنی است حکومت مختار پس از یک سال و اندی متزلزل شد و سرانجام مختار در نبرد بالشکر بصره و سران اموی و سایر دشمنان خود تاب مقاومت نیاورد. این در حالی بود که یاران و نزدیکان وی او را تنها گذاشتند و تنها نوزده نفر از سپاهیان‌ش مردانه در کنار او جنگیدند تا این که مختار به دست دو برادر از قبیله بنی خلیفه به شهادت رسید و سر وی را برای دریافت جایزه نزد مصعب بن زبیر بردند. بخش عمده کتاب به شرح مجازات قاتلان امام حسین و یاران آن حضرت و چگونگی شکل‌گیری قیام مختار اختصاص یافته است.

◊ اسماعیلیون و مغول و خواجه نصیرالدین طوسی
حسن امین، ترجمه مهدی زندیه، چاپ اول،

مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، قم، ۱۳۸۳، ۲۲۴ ص، وزیری.

مؤلف در این کتاب با قرائتی نو از تاریخ عربی-اسلامی کوشیده است سه موضوع تاریخی بزرگ یعنی اسماعیلیان، مغول‌ها و خواجه نصیرالدین طوسی را بررسی و تبیین نماید. وی در این نوشتار، نخست به شرح حال خواجه نصیر اشاره نموده اساتید و تألیفات او را معرفی می‌کند، سپس از اقدامات خواجه برای حفظ اسلام و حمایت وی از کتاب‌های بغداد سخن می‌گوید. بخشی از این مبحث به گفتار دیگران درباره‌ی خواجه و خواجه نصیرالدین طوسی از نظر دایره‌المعارف ایمان‌الشیعه اختصاص یافته و با مطلبی در باب سوگ خواجه و فرزندان او به پایان می‌رسد. در بخش دیگر کتاب که مغول‌ها عنوان گرفته به حمله مغول‌ها اشاره می‌شود و مطالبی درباره‌ی چنگیز درج می‌گردد. در آخرین بخش کتاب که اسماعیلیان عنوان دارد دو فرقه اسماعیلیه و تفاوت‌های این دو فرقه معرفی می‌شود، سپس با ذکر مطالبی در باب انشعاب و انحراف این فرق، داستان‌هایی از فدائیان نزاری و قلعه‌های آنان نقل می‌شود. همچنین از سرانجام این فرقه سخن می‌رود، ضمن آن که به نقش مغول‌ها در این برهه از تاریخ اشاره شده، از تأثیرپذیری آنان از اسلام به ویژه نقش اثرگذار خواجه نصیر بر هولاکو سخن می‌رود. برخی مباحث دیگر این بخش بدین قرار است: آیا مغول‌ها با صلیبیان پیمانی بسته بودند؟ تحریک صلیبی؛ آشکار شدن اهداف مغولی؛ دعوت طیبیه؛ امام طیب؛ فرقه خوجه؛ بهشت حسن صباح کجاست؟ حقیقت زندگی فرقه نزاریه؛ حشیشیه؛ اسماعیلیان ایرانی در دوره قاجاریه؛ اسماعیلیان یمن؛

ظهور امامان اسماعیلی؛ حکومت فاطمی؛ گزیده‌ای از ادبیات فاطمیان؛ بین چنگیز، هولاکو و طوسی. کتاب با ضمیمه‌ای تحت عنوان سهم ابن میثم، خیام و طوسی در پیشرفت استدلال‌های ریاضی به پایان می‌رسد.

◊ اخبارنامه: تاریخ تالش از سلطنت نادرشاه تا سلطنت محمدشاه قاجار

احمد بن خداوردی، چاپ اول، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۳، ۲۶۸ ص، وزیری.

نوشتار حاضر، شرح حوادث و رویدادهایی است که در یک دوره تقریباً صدساله از دوره نادرشاه تا اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در سرزمین تالش اتفاق افتاده است. کتاب متشکل از چهار بخش است که بخش نخست آن از دوره نادرشاه آغاز می‌شود و در زمان آقا محمدخان پایان می‌یابد. در این بخش مؤلف از چگونگی تسلط میرعباس بیگ بر تالش سخن گفته است. بخش دوم کتاب که وقایع آن به دوره آقا محمدخان اختصاص دارد با فرار مرتضی قلی خان -برادر آقا محمدخان- به سرزمین تالش آغاز می‌شود که طی آن حاکمیت میرمصطفی خان بر این منطقه به تفصیل بازگو می‌شود. در بخش سوم، شرح مشاهدات نویسنده از دوره دوم جنگ‌های روس و ایران درج گسردیده است. در بخش پایانی کتاب، شرح حال نویسنده با اشاره به چگونگی تسلط روس‌ها بر منطقه تالش و نابودی خاندان میرمصطفی خان و سرانجام این خاندان و نیز جنایات روس‌ها در این خطه بیان شده است.

◊ تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (ج ۱-۲)

سعید نفیسی، چاپ اول، اهورا، تهران، ۱۳۸۳، ۸۰۰ ص، وزیری.

در این کتاب، مهمترین رخدادها و وقایع سیاسی و اجتماعی ایران دوره قاجاریه از آغاز تا پایان حکومت فتحعلی شاه بازگو شده است. کتاب با مطالبی تحت عنوان «ایران ما در این صد و هشتاد سال» آغاز می شود که طی آن از پیشینه و نژاد قاجارها، ظهور این طایفه در تاریخ ایران و اوضاع آنها پیش از سلطنت و نیاکان آقا محمدخان سخن می رود، سپس مباحث کتاب با این موضوعات تدوین می شود: آقا محمدخان، مناسبات گرجستان با ایران؛ اوضاع اجتماعی ایران در زمان آقا محمدخان؛ فتحعلی شاه؛ مقدمات جنگ دوم ایران و روسیه؛ اختلاف ایران و روسیه؛ آغاز جنگ های ایران و روسیه؛ نتیجه جنگ های نخستین تا پایان سال ۱۲۲۰؛ مناسبات ایران و روسیه پیش از قاجارها؛ جزئیات وقایع گرجستان در این دوره؛ دوره میان دو جنگ؛ وضع اجتماعی ایران در این دوره؛ روابط سیاسی با روسیه؛ مراحل و عواقب جنگ دوم؛ عهدنامه ترکمان چای؛ جنگ های ایران و عثمانی؛ ایران و افغانستان؛ اوضاع اقتصادی ایران. پیش از مباحث اصلی کتاب، مؤلف انگیزه خود را از تألیف کتاب در دیباچه شرح داده است. کتاب با فهرست اعلام به پایان می رسد.

◊ مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ های اول ایران و روس) به ضمیمه تاریخ جنگ های دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین

عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، چاپ اول، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، تهران، ۱۳۸۳، ۶۷۲ ص، وزیری.

مآثر سلطانیه نوشته عبدالرزاق بیک دنبلی متخلص به مفتون درباره تاریخ دوره اول هجوم روسیه به ایران از آغاز تا معاهده گلستان به همراه فشرده ای از رخدادهای

سلطنت فتحعلی شاه قاجار از پایان جنگ های مرحله اول تا آستانه هجوم مجدد قوای روسیه به خاک ایران است. مؤلف که در همین ایام در دارالسلطنه تبریز حضور داشته، شاهد بسیاری از حوادث قفقاز و آذربایجان بوده و روایت مستقیم و دست اولی از جنگ های ایران و روسیه فراهم آورده است. با توجه به این که عبدالرزاق در آستانه هجوم دوم روس ها به ایران درگذشت و نتوانست حوادث دوره دوم جنگ ها را نیز روایت کند در تصحیح حاضر، گزارش جنگ های مرحله دوم از نسخه خطی تاریخ ذوالقرنین نوشته حاویری شیرازی به پایان کتاب افزوده شده است. کتاب مآثر سلطانیه در زمان حیات مؤلف و یک سال پیش از درگذشت دنبلی در چاپخانه سنگی تبریز به چاپ رسید. در سال ۱۳۵۱ چاپ افستی از روی چاپ سنگی صورت گرفت. تصحیح حاضر براساس همان چاپ سنگی صورت گرفته و علاوه بر مقدمه مصحح درباره تاریخ جنگ های ایران و روسیه و پیشینه طایفه دنبلی و سرگذشت عبدالرزاق مفتون از توضیحات مفصلی درباره مطالب به صورت زیرنویس برخوردار است. در پایان نیز متن تعدادی از قراردادهای منعقد شده میان والی گرجستان و دربار قاجار با فرانسوی ها، روس ها، انگلیسی ها و عثمانی ها آمده است.

◊ نخست وزیران سلسله قاجاریه

پرویز افشاری، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳، ۴۳۲ ص، وزیری.

کتاب حاضر جلد دوم از مجموعه صدر اعظم های سلسله قاجاریه به شمار می آید که به شرح حال نخست وزیران سلسله قاجاریه پس از صدور فرمان

مشروطه اختصاص یافته است. در این کتاب تلاش شده ضمن بررسی شرح حال نخست وزیران سلسله قاجاریه اهم رویدادهای دوران وزارت هر یک و عوامل مؤثر در موفقیت یا عدم موفقیت آنان بررسی شود، همچنین کوشش شده تا به روابط خارجی در دوران وزارت هر یک از نخست وزیران و چگونگی ارتباط آنان با روحانیون و علمای مذهبی هر چند مختصر اشاره شود. در پایان هر فصل نیز گذری بر دوران پس از نخست وزیری و برداشت های تاریخی از عملکرد آنان صورت گرفته است. ارائه پنجاه برگ از اسناد تاریخی دوران مشروطیت تا انقراض سلسله قاجاریه زینت بخش پایان کتاب می باشد. در انتخاب اسناد تلاش به عمل آمده تا موضوعات متعدد مربوط به حوادث پس از مشروطیت در معرض دید علاقه مندان به تاریخ ایران قرار گیرد. کتاب با تصاویری از نخست وزیران مورد نظر همراه است.

◊ اللهیار صالح به روایت اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ۴۸۴ ص، رفعی.

در نوشتار حاضر، شرح زندگی اللهیار صالح با اشاره به فعالیت های وی در دوران پهلوی براساس اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی بازگو شده است. گفتنی است اللهیار صالح پس از تحصیل در مدرسه آمریکایی و منشی گری در سفارت آمریکا به دیوان عدلیه وارد شد و پله های ترقی را تا رسیدن به وزارت پیمود. از جمله فعالان حزبی بود که فعالیت های خود را با هدف تقویت جایگاه سلطنت انجام می داد. وی نظریات و خط مشی های سیاسی آمریکا درباره ایران را فاقد ویژگی استعماری می دانست

و به همین دلیل با برنامه‌های امریکا همسویی داشت. او که در فعالیت‌های حزبی خود، در حزب ایران و جبهه ملی به ویژه جبهه ملی دوم، اندیشه پذیرفتن حکومت پهلوی را مدنظر قرار داده بود در برابر قیام پانزدهم خرداد نیز سکوت کرد و سرانجام سیاست صبر و انتظار را برای مدت نامعلومی پیشنهاد داد.

◊ فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی
جمیل حسنوف، ترجمه منصور همایی، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳، ۲۵۶ص، رقی.

در بخشی از یادداشت ناشر آمده است: محور اصلی این کتاب - که آن را یک گزارش مرحله به مرحله و مستند از سرگذشت آذربایجان از روز هجوم واحدهای نظامی ارتش سرخ بدان سامان در شهریور ۱۳۲۰ تا اندک زمانی بعد از خروج واحدهای مزبور از خاک ایران در بهار ۱۳۲۵ نیز می‌توان توصیف کرد - به چگونگی فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان اختصاص دارد، این که چگونه پس از تلاش ناموفق دولت شوروی برای کسب امتیاز نفت شمال، مقامات مسکو با استفاده از شبکه امنیتی و اطلاعاتی گسترده‌ای که در این سال‌ها در آذربایجان برپا کرده بودند موجبات تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را فراهم آوردند. توصیف جزء به جزء نقش ارگان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی شوروی - و به ویژه حزب کمونیست و کاگب جمهوری آذربایجان - در این ماجرا، آمادگی فرقه دموکرات برای تجزیه کامل آذربایجان و ادغام آن در حوزه شوروی به رغم تظاهر به حمایت از تمامیت ارضی ایران ... از جمله مباحث در خور توجهی اند که در کنار توصیف کلی تحولات آذربایجان در

این ایام آمده‌اند. کتاب با تصاویری از شخصیت‌های مورد بحث همراه است.

◊ بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه
مختارزاد احمد، چاپ اول، اعتدال، تهران، ۱۳۸۳، ۲۵۸ص، وزیری.

نوشتار حاضر با هدف مقایسه آسیب‌شناسی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اسلامی ایران نگارش یافته و نگارنده بر آن است ضمن بررسی تطبیقی، آفات و موانعی را که سبب فروپاشی و شکست انقلاب روسیه گردید تحلیل نماید و تعیین کند که این عوامل تا چه اندازه می‌تواند در فروپاشی و شکست انقلاب اسلامی مؤثر واقع شود. مباحث کتاب ذیل این عناوین تنظیم شده است: تئوری‌های آسیب‌شناسی انقلاب؛ نگرشی بر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اسلامی ایران؛ اصلاحات در شوروی و جمهوری اسلامی ایران؛ آسیب‌شناسی انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی و بررسی تطبیقی آسیب‌شناسی انقلاب روسیه با انقلاب اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن.

◊ بیست و پنج سال در ایران چه گذشت (از بازرگان تا خاتمی): از بنی صدر تا شورای موقت ریاست جمهوری

داود علی‌بابایی، چاپ اول، امید فردا، تهران، ۱۳۸۳، ۵۱۴ص، وزیری.
در دومین جلد از مجموعه «۲۵ سال در ایران چه گذشت» وقایع و رخدادهای سیاسی ایران از زمان انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست جمهوری تا خلع وی و تشکیل شورای موقت ریاست جمهوری بازگو شده است. گفتمنی است روز جمعه، پنجم بهمن ۱۳۵۸، مردم ایران به پای صندوق‌های رأی رفتند تا اولین رئیس‌جمهوری را تعیین کنند؛ در این

روز تاریخی، ابوالحسن بنی‌صدر با به دست آوردن بیش از هفتاد درصد آرای شرکت‌کنندگان، گوی سبقت را از دیگر نامزدها ربود و نام خود را به عنوان اولین رئیس‌جمهور نظام نوپای اسلامی در تاریخ این مرز و بوم به ثبت رساند ... بنی‌صدر - با تحلیل غلط از شرایط آن روز ایران و انتخاب یک استراژی محکوم به شکست - به راهی رفت که در پایان آن تراژدی سیاسی، بسیاری از حامیان خود را از دست داد و جماعت عظیمی از مردم را از کرده خود (یعنی انتخاب وی به ریاست جمهوری) پشیمان کرد.

◊ احياء الملوك

شاه حسین بن غیاث‌الدین محمد، چاپ اول، نشر کتانتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، ۶۷۲ص، وزیری.

اثر حاضر، تاریخ سیستان از ادوار باستانی تا سال ۱۰۷۲ق است. هدف نویسنده (ملک شاه حسین) که از شاهزادگان سیستان در هنگام سلطنت شاه عباس اول بوده، احیای نام پادشاهان سیستان بوده است. اما در حقیقت، این اثر مکمل کتاب تاریخ سیستان است که حدود سال هفتصد هجری نوشته شده است. ارزش تاریخی این کتاب از آن روست که نویسنده برای تکمیل کار خود از کتاب‌های متعددی استفاده کرده که تا آن زمان درباره تاریخ سیستان نوشته شده بود. علاوه بر این او خود شاهد اتفاقاتی بوده که در این منطقه رخ داده است. مطالب این اثر برای شناخت طبقات اجتماعی مختلف در خور اهمیت است. مؤلف کتاب را به سه فصل و یک مقدمه و یک خاتمه به شرح زیر تقسیم کرده است. مقدمه در بیان اهل دانش و روایان حدیث و اهل تفسیر و زهاد و عباد و شعرای نامدار است که در آن ولایت

بوده‌اند و نسب ملوک سیستان و بعضی چیزها که مخصوص آن ولایت است، اعم از عجایب و غرایب و ذکر اسامی بلده و وجه تسمیه آن. فصل اول ذکر عده‌ای است که در آغاز در سیستان تا ظهور اسلام در آن سرزمین نامدار بوده‌اند و نیز شمه‌ای از حالات امرای عرب که در آن ملک حکومت نموده‌اند. فصل دوم در وقایع حالات اولاد کسری است که بعد از استیصال عجم و دولت اسلام به سیستان آمده‌اند و همچنین ظهور دولت یعقوب لیث و خلیف بن احمد تا زمان تاج‌الدین ابوالفضل. فصل سوم شرح زمان ملک قطب‌الدین محمد تا سال ۱۰۲۷ ق است. خاتمه در شرح وقایعی است که این سالک رضا و تسلیم را در این مدت مشاهده افتاده و تعداد اسفار و تفصیل عبور بلاد و امصار و مدت توقف هر بلده و زیارت مشاهد مقدسه و حروری که در سیستان و دیگر مواضع واقع شده و راقم مرتکب آن شده و معرفت حال اهل روزگار. گفتنی است چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۴۴ بوده و اینک چاپ دوم آن عرضه شده است.

گستره تاریخ: گفتگوهایی با تاریخ‌نگاران ایران مسعود رضوی، چاپ اول، هرمس، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۲، ۳۷۴ ص، رقعی.

کتاب در سه بخش حاوی گفتگوهایی درباره تاریخ، تاریخ معاصر ایران و افق‌های تاریخ اسلام است. پیش از هر گفتگو به اختصار از آثار و مقام علمی و شرح حال گفتگو شونده سخن رفته است. بخش نخست که روزنه‌ای به تاریخ عنوان گرفته، مشتمل بر گفتگوهایی با تاریخ‌نگاران ایران است. مطالب این بخش به قرار ذیل است: همزاد آدمیزاد (گفتگو با دکتر محمد ابراهیم باستانی

پاریزی)؛ تاریخ‌نگاری و فلسفه تاریخ در ایران (گفتگو با دکتر عباس زریاب خویی)؛ در جستجوی حلقه‌های مفقود فرهنگ (گفتگو با عبدالحسین حائری)؛ موزه‌هایی در باد (گفتگو با دکتر مرتضی فرهادی)؛ سپیده‌دم تاریخ‌نگاری در ایران (گفتگو با ناصر تکمیل همایون)؛ نظریه‌های عمده در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (گفتگو با عبدالله شهبازی). عناوین برخی مقالات بخش‌های دوم و سوم بدین شرح است: رویارویی اندیشه‌ها در انقلاب مشروطیت (گفتگو با عبدالهادی حائری)؛ مشروطیت، قانون، آزادی، عدالت (گفتگو با محمدجواد شیخ الاسلامی)؛ نقطه‌های آغاز در تحولات جدید ایران (گفتگو با احمد احرار)؛ تاریخ‌نگاری اسلام (گفتگو با سید جعفر شهیدی)؛ شهر پیامبر (گفتگو با حسین قره‌چانلو)؛ نهج البلاغه و تاریخ به روایت ابن ابی‌الحدید (گفتگو با محمود مهدوی دامغانی).

تاریخ قم یا حریم مطهر بانوی عالیقدر اهل بیت عصمت و طهارت حضرت فاطمه معصومه (س) محمدحسین ناصر الشریعه، چاپ اول، رهنمون، تهران، ۱۳۸۲، ۵۰ ص، وزیری.

در نوشتار حاضر، تصحیح کتاب تاریخ قم یا حریم مطهر بانوی عالیقدر اهل بیت عصمت و طهارت حضرت فاطمه معصومه (ع) با مقدمات، تعلیقات و اضافاتی چند به طبع رسیده است. کتاب با مقدماتی در مدح حضرت معصومه، موقعیت قم، قم قبل از اسلام، قم در دوران اسلامی، قم در دوره صفویه آغاز شده به اجمال از سازمان اداری آستانه قم و دیگر مطالب مربوط به آن سخن رفته است، همچنین دانشمندانی که در این شهر می‌زیسته‌اند معرفی شده‌اند. افزون بر این، مقدمه چاپ‌های قبلی کتاب در

این بخش به طبع رسیده است. در پی این مطالب، مباحث اصلی در پنج باب فراهم آمده و در پایان شعرای قم معرفی شده‌اند. در باب اول ذیل سیزده فصل از موقعیت جغرافیایی و تاریخی قم سخن می‌رود، همچنین به برخی حوادث طبیعی از جمله سیل‌های عظیم اشاره می‌گردد که به این شهر خساراتی وارد نموده. ورود نخستین طایفه عرب اشعری به قم و برخی مطالب تاریخی دیگر، مطالب باب اول را تشکیل می‌دهد. باب دوم در دو فصل تدوین شده به روایاتی درباره این شهر اختصاص دارد. در این باب به راه‌های قم در زمان قدیم و امروز اشاره شده است. باب سوم با شرح ورود حضرت معصومه (س) به قم آغاز می‌شود و در پی آن، تاریخچه گنبد و بارگاه با اشاره به پادشاهان مدفون در قم درج می‌گردد، همچنین امامزاده‌هایی که در قم و اطراف این شهر دفن شده‌اند معرفی می‌شوند. مؤلف در باب چهارم مساجد و مدارس قم را معرفی می‌کند. فصل پنجم به معرفی فقها، راویان، محدثین و دانشمندان نامی قم از عصر محقق قمی تا عصر حاضر اختصاص یافته است.

نگاهی گذرا به بوشهر: دو قرن مقاومت علیه استعمار سید قاسم یاحسینی، چاپ اول، کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۰۰۰ شهید استان بوشهر، دریاورد، تهران، ۱۳۸۲، ۲۸۸ ص، رقعی.

در این کتاب، مبارزات و دلوری‌های مردم بوشهر علیه استعمارگران انگلیسی بازگو شده، طی آن مبارزان شاخص این خطه از کشور معرفی می‌گردند. افزون بر آن، زندگی‌نامه شهید نادر مهدوی و حماسه او در خلیج فارس بیان می‌شود. کتاب طی چهار فصل با این عناوین تدوین شده است: اولین هجوم استعمار انگلیسی به بوشهر؛ حماسه باقرخان؛

رئیس علی دلواری رودر رو با انگلیسی‌ها - عصر رئیس علی دلواری؛ حماسه شهید نادر مهدوی در خلیج فارس. در پایان کتاب چهار ضمیمه به چاپ رسیده که مشتمل بر برنامه‌های تاریخی در دوره حماسه بوشهر علیه انگلیسی‌هاست، از جمله نامه سرپرستی کاکس به آیت‌الله شیخ محمدحسین برازجانی و نامه آیت‌الله شیخ محمدحسین برازجانی به سرپرستی کاکس.

◇ پیر مراد قونیه و خازن هفت گنج

ولی‌الله شاهسواری، محمد بیات، چاپ اول، نسیم حیات، قم، ۱۳۸۲، ۲۸۴ ص، وزیری. در این مجموعه مقالات عرضه شده در دو همایش نخستین ارجداشت سراسری مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و نخستین پاسداشت سراسری حکیم نظامی گنجوی که در سال ۱۳۸۰ در شهرستان الیگودرز برگزار شد به طبع رسیده است. عناوین برخی از مقالات عبارتند از: نگاهی به دیدگاه روان‌شناسانه مولانا در مثنوی؛ مولانا جلال‌الدین در قرن بیست و یکم (عصر انفورماتیک و شخصیت جهانی او و عرفان)؛ تلمیح‌های پیچیده و رازآمیز در مثنوی معنوی مولانا؛ آسیب‌شناسی روانی و مکتب مولانا؛ مولوی و آیات قرآنی، روایات و احادیث؛ بحث رباب خیال از دیدگاه مولوی؛ زن مبارک درخت برومند از دیدگاه نظامی گنجوی؛ تأثیر خمسه نظامی گنجوی بر فرهنگ و ادب و هنر ایران؛ بازنویسی منظومه خسرو و شیرین با تکیه بر زمینه‌های تاریخی آن (دوره سلجوقی)؛ ماهیت و قلمرو ادبیات و آثار ادبی از دیدگاه حکیم نظامی؛ قدیمی‌ترین شرح بر چند بیت از خسرو و شیرین نظامی.

◇ احوال و آثار بدیع‌الزمان فروزانفر

علیرضا پوررغفتمی، چاپ اول، انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲، ۲۹۶ ص، وزیری. این نوشتار به بیان زندگی نامه و فعالیت‌های علمی و تحقیقی اسناد بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۲۷۸-۱۳۴۹) اختصاص دارد. گفتنی است استاد بدیع‌الزمان فروزانفر یکی از شخصیت‌های برجسته علمی روزگار ماست که منشأ خدمات گسترده‌ای در عرصه علم و ادب این سرزمین بوده است. وی در بشرویه (شهری در جنوب استان خراسان) دیده به جهان گشود و در دامان خانواده‌ای متدین و روحانی پرورش یافت. مقدمات علوم را نزد پدر و معلمان زادگاهش فراگرفت و در سن جوانی عازم مشهد شد. مدت چهار سال از محضر ادیب نیشابوری بهره برد و سپس به تهران عزیمت کرد و مراحل ترقی را یکی پس از دیگری پیمود. معلمی را از مدرسه دارالفنون آغاز کرد و با گذراندن مدارج علمی به رتبه علمی استاد ممتاز دانشگاه‌ها نایل شد. او علاوه بر تدریس، مدت زیادی پست معاونت و سپس ریاست دانشکده معقول و منقول را بر عهده داشت و مدتی هم به عنوان سناتور به مجلس سنا راه پیدا کرد. در سال ۱۳۴۹ بازنشسته شد و در شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ دار فانی را وداع گفت.

◇ وقایع رمضان و شهادت علی (ع)

احمد صادقی اردستانی، چاپ اول، هستی‌نما، تهران، ۱۳۸۲، ۳۲۸ ص، رفعی. عظمت و بزرگی رمضان را باید در عبادت‌ها و نمازهای مستحبی‌ای سراغ گرفت که عابدان الهی به آن فراخوانده شده‌اند، باید در ليله القدری جست که سرنوشت یک سال آدمی را ورق می‌زند و اگر فرد در آن شب توبه نماید از همه معاصی پاک خواهد شد و مشمول عنایت

ربانی قرار خواهد گرفت، شأن و شکوه رمضان را باید در شهادت علی (ع) یافت، امامی که همه عمر در ترویج و تعالی دین کوشید و ذره‌ای از خواست و فرمان الهی تخطی ننمود و برای اجرای عدال الهی بود که در بارگاه عبادت به دست ناپاک افراد به شهادت رسید، اهمیت رمضان را باید در وقایعی یافت که در این ماه پر میمنت صورت گرفته‌اند. دریافت این شأن و جلال بود که مؤلف را واداشت به فحوص و بحث درباره ماه رمضان پیردازد و حاصل مطالعه و جستجوی خویش را با قلمی روان و همه‌پسند به مخاطب عرضه کند. وی همه تحقیق خویش را ذیل سیزده عنوان گنجانده که جهت آشنایی چکیده هر یک را تقدیم می‌کنیم. نویسنده ذیل عنوان «نجوای رمضان» به این مطلب اشاره می‌کند که هرگاه ماه رؤیت شد بر هر مسلمانی - غیر از افراد معذور - واجب است روزه بگیرد و بدانند روزه نه فقط موجب صحت و سلامتی او می‌شود بلکه اسباب معرفت حق را فراهم می‌آورد. «قرآن و رمضان» عنوان دوم این اثر است که به اهمیت رمضان و وجه تسمیه آن و احکام روزه‌داری و آثار جسمی و روحی آن و مجازات روزه‌خواری می‌پردازد. «تقوا فلسفه روزه» عنوان سوم این نگارش است؛ مخاطب از نقش روزه در پاگرفتن تقوا و رشد و بالندگی آن در آدمی و اهمیت تقوا و بحث لغوی و کانون آن و صفات متقین آگاه می‌شود، همچنین از آثار بی‌تقوایی و آثار سازنده تقوا مطلع می‌گردد، آثاری که نگارنده آنها را در سه اثر جمع کرده کرد: فکری و فرهنگی؛ اخلاقی و تربیتی؛ مادی و معنوی. عنوان چهارم «ابوطالب، مؤمن قهرمان» است که به وفات جناب ابوطالب در هفتم

رمضان و سعی و اهتمام وی در رشد و نمو دین اسلام می پردازد. «خدیجه همسر پیامبر» مطلب بعدی این نوشته است، بزرگ بانویی که با همه توان در ترویج اسلام کوشید و در دهم رمضان از دنیا رخت بریست. «مسیح منادی صلح و...» ششمین مبحث این کتاب می باشد، پیامبری که به ارشاد و هدایت مردم پرداخت و به آمدن پیامبر اسلام بشارت داد و در سیزدهم رمضان انجیل بر وی نازل شد. عنوان هفتم (امام حسن، جانشین شایسته) به امام دوم اختصاص دارد که در سوم رمضان به دنیا آمد، نویسنده به زندگی امام (ع) در دوره خلفا و حضور وی در جنگ های جمل و صفین و مناصب وی اشاره می کند و بعد از زمان امامت وی و صلح با معاویه سخن می راند. عنوان هشتم پردازشی کوتاه به توبه و انواع گناهان است که اگر فرد از آنها توبه ننماید اسباب رنج و عذاب خویش را فراهم آورده است. نویسنده ذیل عنوان «عوامل برکت و بی برکتی» به برکت و عوامل و آثار آن و انسان هایی می پردازد که منشأ برکتند.

«شب قدر، شب وصل» عنوان دهم این اثر است؛ خواننده ذیل این مبحث با شب قدر و معنای آن و این که کدام شب است و تکالیف شب قدر آشنا می شود و ذیل عنوان یازدهم از مولود کعبه علی (ع) و رشد و پرورش وی در نزد پیامبر و پر محبت بودن علی (ع) و حفاظت وی از بیت المال اطلاعاتی کسب می کند و با عنوان «مرگ در نظر علی» از دیدگاه امام علی (ع) به مسأله مرگ آگاه می شود و ذیل عنوان آخر از چگونگی شهادت این امام همام مطلع می گردد. ناگفته نماند ربط همه این عنوان ها را باید در رمضان جویا شد.

ادبیات

مبانی ادبیات کودک و نوجوان؛ ویژه ادبیات دینی

محمود حکیمی، مهدی کاموس، چاپ اول، آرون، تهران، ۱۳۸۳، ۵۸۰ ص، وزیری.

در این کتاب سعی شده الگوهای مناسب دینی و دستمایه های داستانی برای نویسندگان ادبیات دینی کودک و نوجوان با موضوعاتی از این دست مطرح گردد: رویکرد جهانیان به مذهب؛ کارکردهای ادبیات کودک و نوجوان؛ ویژگی های داستان کودک و نوجوان؛ دین؛ ادیان و آیین های غیرو حیانی (براساس جمعیت پیروان)؛ لزوم شناخت ادیان غیر و حیانی؛ مراحل تربیت از دیدگاه اسلام؛ بازگشت به دین و معنویت و پرسش های نوجوانان؛ مراحل رشد تفکر دینی و دین شناسی کودک و نوجوان؛ رابطه دین و ادبیات و تأثیر ادبیات دینی بر فرهنگ و اخلاق جامعه؛ ادبیات نوجوانان و الگوهای مناسب؛ خداگونگی در ادیان؛ پیامبران و امامان الگوهای صداقت و راستی؛ مردان و زنان اهل فتوت؛ الگوهای جوانمردی و ایثار؛ عارفان، الگوهای فرزادگی؛ زمامداران عادل و انسان های صالح؛ نیک خواهان و نیکوکاران؛ تلاشگران و پیروزمندان و آسیب شناسی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان.

زندگی نامه فردوسی و سرگذشت شاهنامه

سید محمد دبیرسیاقی، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۳، ۴۵۶ ص، رقعی.

بخش نخست کتاب به شرح زندگی نامه حکیم فردوسی (۳۲۹-۴۱۶) اختصاص دارد. در بخش دوم مقدمه های شاهنامه درج شده که عبارتند از: مقدمه قدیم یا مقدمه شاهنامه نشر ابومنصوری؛ مقدمه اوسط شاهنامه؛ مقدمه هشتصد ساله شاهنامه و مقدمه جدید مشهور به مقدمه

بایسنقری. در بخش سوم کتاب آثار دیگر شاعران که در آنها ذکری از فردوسی و شاهنامه آمده به ترتیب تاریخ از دیوان سیستانی تا دیوان بیگی در حدیقه الشعرا معرفی شده است. بخش پایانی کتاب به معرفی شاهنامه و چگونگی تألیف آن اختصاص دارد.

شاهنامه و ادبیات قزاقی

بولاک بک باتیرخان، چاپ اول، مؤسسه ترجمه و نشر واژه آرا، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ۲۴۲ ص، وزیری.

هدف نگارنده از تألیف این کتاب بررسی چگونگی تأثیر شاهنامه بر ادبیات قزاقی و معرفی داستان حماسی «آپامیس» و مقایسه آن با داستان های شاهنامه است.

در فصل نخست با بررسی اجمالی تاریخ زبان های ترکی به ویژه زبان و ادبیات قزاقی و همچنین موقعیت جغرافیایی و تاریخی این سرزمین، شناخت کلی از قزاقستان، مردم، فرهنگ و شرح مهمترین دوره ادبیات قزاقی که با شاهنامه در ارتباط بوده است ارائه می گردد. در فصل دوم، نخست به بررسی اهمیت شاهنامه در ایران، تأثیر آن بر شعرای بزرگ ایران که باعث شده است تعداد زیادی از آثار به تقلید از آن به وجود بیایند و نیز تأثیر شاهنامه بر ادبیات حماسی بعد از خود چه از لحاظ داستان ها و چه از لحاظ قالب ادبی پرداخته شده است، سپس اهمیت شاهنامه در جهان بررسی شده که شامل دو گفتار یعنی تأثیر شاهنامه در کشورهای اروپایی و تأثیر شاهنامه در ادبیات قفقاز و آسیای مرکزی است... فصل سوم به بررسی شاهنامه و ادبیات قزاقی مربوط می شود. ارتباط داستان های حماسی و پهلوانی قزاقی با شاهنامه مورد بحث قرار گرفته و از وجوه مشترک بین آنها سخن رفته است...

موضوع فصل چهارم به طور ویژه شاهنامه و شاعران قزاقی است. نخست آثار فارسی که مورد توجه قزاق‌ها بوده اند به اجمال بررسی و سپس یوسف بلاساغونی و آبابی، دو شاعر بزرگ معرفی شده اند و تأثیرپذیری آنان از ادبیات فارسی به ویژه شاهنامه و نکته مشترک اشعار فردوسی و آبابی بررسی شده است ...

◊ اوج و انحطاط سبک هندی

محمدحسین خسروان، چاپ اول، سخن گستر، مشهد، ۱۳۸۳، ۲۰۴ ص، وزیری.

این کتاب پژوهشی است در زمینه شعر فارسی در قرن نهم و دهم که به تحلیل و بررسی عوامل مؤثر در اوج و انحطاط سبک هندی می‌پردازد. نوشتار حاضر در قالب نه بخش تنظیم شده و دارای عناوین زیر است: ریشه‌ها و شروع سبک هندی؛ علل انحطاط سبک هندی؛ اوضاع سیاسی در قرن نهم و ده؛ صائب تبریزی کاروان سالار سبک هندی؛ نشانه‌هایی از سبک هندی در شعر فغانی و ...

◊ سراپرده عشق: مجموعه مقالات درباره شاه نعمت‌الله ولی

محمد رضا صرفی، محمدصادق بصیری، چاپ اول، دانشگاه شهید باهنر، مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۳، ۵۲۲ ص، وزیری.

این مجموعه مشتمل بر ۴۱ مقاله درباره شاه نعمت‌الله ولی، عقاید، اندیشه‌ها و اشعار اوست با عناوینی همچون سهم شاه نعمت‌الله ولی در ترویج ادب شیعی؛ ویژگی‌های عقل در دیوان شاه نعمت‌الله ولی؛ احوالات و فضایل و کمالات شاه نعمت‌الله ولی؛ شاه نعمت‌الله ولی غزل‌سرایی در دوران اوج غزل فارسی؛ سبک و نوع ادبی آثار شاه نعمت‌الله ولی؛ ولی و انسان کامل از دید شاه نعمت‌الله ولی و دیگر عرفا؛ نگاهی گذرا به عرفان اسلامی و افکار و احوال؛ بررسی

معناشناختی استعاره و تکرار در غزلیات؛ وحدت وجود و بازتاب آن در اشعار شاه نعمت‌الله ولی؛ تأثیرات ابن عربی بر شاه نعمت‌الله ولی در ... و مضامین رایج در شعر شاه نعمت‌الله ولی.

◊ از زبان شناسی به ادبیات: نظم

کورش صفوی، چاپ اول، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۳، ۳۲۶ ص، رقعی.

نویسنده در کتاب حاضر می‌کوشد تا با استفاده از امکانات جدید مطالعه زبان و ادبیات در حوزه زبان شناسی ساخت‌گرا به بررسی زبان شناختی نظم به عنوان گونه‌ای از ادب فارسی بپردازد. هدف اول آن است که ثابت شود آنچه تاکنون تحت عنوان فنون بلاغت در توصیف و تحلیل صناعات ادبی به کار رفته است بر مبنای علمی استوار نیست. هدف دوم در توصیف و طبقه‌بندی صناعات ادبی وابسته به نظم بر مبنای پیکره‌ای از نمونه‌های ادبی فارسی است. عناوین مباحث کتاب عبارتند از: ساخت‌گرایی؛ زبان و نشانه؛ نقش‌های زبان؛ زبان ادب؛ برجسته‌سازی ادبی؛ پیشینه مطالعات ادبی در غرب؛ پیشینه مطالعات ادبی در میان مسلمانان؛ امکان تأثیر پژوهشگران اروپایی در بلاغت اسلامی؛ نارسایی‌های مطالعات ادبی سنتی؛ تاریخچه اجمالی مطالعات زبان شناختی ادبیات؛ بازیابی پژوهش‌های زبان شناختی ادبیات؛ تکرار کلامی؛ توازن آوایی؛ توازن واژگانی؛ توازن نحوی؛ سلسله مراتب نظم آفرینی و طبقه‌بندی صناعات بدیعی نظم.

◊ ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا و

امامان معصوم از فرزندان آن حضرت

ترجمه حسن عبداللهی، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳، ۳۴۴ ص، وزیری.

این اثر ترجمه و شرح اشعاری است که به

فاطمه زهرا(س) و فرزندان امام و معصوم وی (جز امام زمان) منسوب می‌باشد. شیوه کار مترجم به این گونه است که متن ترجمه را پایین متن عربی قرار داده و هر جا لغتی دشوار بوده آن را در پاورقی توضیح داده است، مثلاً ذیل این بیت منسوب حضرت زهرا:

وَبَكَكِ الْحَجُونَ وَالرَّكْنَ وَالْمَشْ

عَرُّ يَا سَيِّدِي مَعَ الْبَطْحَاءِ

دو کلمه حجون و بطحاء را در پانویس توضیح داده، بعد ترجمه آن را در پی متن عربی می‌آورد (ای سرور من، کوه حجون و رکن مشعر و سرزمین مکه بر تو گریستند).

◊ نشانی خانه باران

محبوبه زارع، چاپ اول، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴، ۲۴۸ ص، رقعی.

این اثر نگرشی داستان گونه به زندگانی حضرت زهراست، از زمانی که خدیجه(س) دوری چهل روزه پیامبر را به فرمان خداوند باید تحمل می‌کرد تا زمانی که علی(ع) وی را دور از چشم اغیار به خاک می‌سپارد. نویسنده همه این فاصله را در ۷۸ پلاک می‌گنجاند، پلاک به پلاک خواننده را به عمق زندگانی فاطمه زهرا(س) می‌کشاند و چشم انداز وی را به این حیات طیبه و خجسته و سعت می‌دهد، هم اطلاع تاریخی وی را ارتقا می‌بخشد و هم به نوعی گوشزد می‌کند که بزرگان راستین اسلام برای تئومند شدن هر چه بیشتر دین زجرها و سختی‌های بسیاری تحمل کردند و حال و وظیفه هر مسلمانی است که این تحمل‌ها را قدر نهد و تخطی از دین و دستورهای الهی را جایز نشمارد.

همین داستان‌گونه‌گی سبب گردیده دایره مخاطبان این اثر گسترش یابد، برخلاف بسیاری نوشته‌ها که کوشیده‌اند زاویه دیدی علمی و مستند از زندگانی حضرت

فاطمه به دست دهند، ویژگی دیگری که سبب شده حجم مخاطبان فزونی یابد اثر ساده و روان آن است که چند سطری نقل می‌گردد:

«ارتباط عجیبی است میان تو با کعبه و علی(ع) و می‌دانم که خوب به اسرار این ارتباط ازلی آگاهی. سال دوم هجری است. قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه برمی‌گردد و خدا تو را در خانه علی ساکن می‌کند و چه سکونت بزرگی که همزمان سوره «هل اتی» در شأن اهل بیت نازل می‌شود و این یعنی نزول برکات بر اهل زمین» (ص ۱۰۴).

◁ مجموعه‌ها

◊ مجموعه آثار افضل‌الدین ابوحامد کرمانی

محمدصادق بصیری، چاپ اول، دانشگاه شهید باهنر کرمان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان، ۱۳۸۳، ۲۶۰ص، ویر.

در مجموعه حاضر آثار و نوشته‌های تاج‌الزمان افضل‌الدین احمد حامد کوهستانی کرمانی (۵۳۰-۵۱۶) از تاریخ نگاران و نویسندگان دوره سلجوقیان و غزنویان معرفی و خلاصه‌ای از متن هر یک درج شده است. این آثار عبارتند از عقداً‌العلی للموقف الاعلی: این کتاب علاوه بر روایات تاریخی و شرح احوال ملوک و حوادث روزگار متضمن داستان‌ها، اشعار و اندرزهاست؛ بدایع الازمان فی وقایع کرمان: این کتاب تاریخ مفصل کرمان به ویژه دوره سلجوقی را دربر داشته است؛ المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان: در این کتاب حوادث مربوط به حملات خراسانیان و فارسینان به کرمان بعد از سال

۶۰۵ گنج‌نامه شده است؛ رساله صلاح الصحاب فی طب: یکی از رسالات طبی و بهداشتی افضل کرمانی است.

◊ کوی سلامت: مجموعه مقالات همایش بزرگداشت خواجه عماد فقیه کرمانی (۳۱-۳۰ خرداد ماه ۱۳۸۱، کرمان)

محمدرضا صرفی، چاپ اول، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ۱۳۸۳، ۵۵۴ص، ویر.

در این مجموعه مقالات مربوط به همایش بزرگداشت عماد فقیه کرمانی که در تاریخ سی ام و سی و یکم خرداد ماه سال ۱۳۸۱ در کرمان برگزار گردیده فراهم آمده است. کتاب حاضر مجموعاً شامل ۴۳ مقاله بوده که برخی از آنها بدین قرار است: آب و آینه: هنرورزی در شعر عماد فقیه؛ استعاره‌ای در ابهام؛ تصوف و عرفان قرن هشتم هجری و عرفان خواجه عماد کرمانی؛ تقابل عقل و عشق در دیوان خواجه عماد فقیه کرمانی؛ جایگاه عماد فقیه کرمانی در ده‌نامه سرایی؛ جایگاه عماد فقیه کرمانی در سبک عراقی؛ صعود هنری غزلیات عماد؛ نگاهی به داستان پردازای عماد؛ نگاهی به نسخه‌های خطی و غزل عمادالدین فقیه کرمانی؛ هنجار و هنجارگریزی در شعر عماد فقیه کرمانی.

◊ سرباز علم، سرباز فرهنگ (یادنامه عبدالحسین زرین کوب)

محمدجواد حق‌شناس، چاپ اول، داستان سرا، شیراز، ۱۳۸۳، ۳۰۴ص، رقی.

این مجموعه که مشتمل بر مقالاتی است به مناسبت بزرگداشت استاد عبدالحسین زرین کوب (۱۳۷۸-۱۳۰۱) عناوینی از این دست را شامل می‌شود: نثار روان فیاض و طبع دریایی استاد عبدالحسین زرین کوب؛ شاید که چشمه بگرید به‌های

هوی؛ یکی گنجی پدید آید درین دکان زرکوبی؛ بررسی آرا و نظریات عرفانی دکتر زرین کوب؛ روش سهل و ممتنع دکتر زرین کوب در تحقیق و نگارش؛ زرین کوب و اعتلای نسل دانشگاهی؛ مآثر و مفاخر آذربایجان در ذهن و زبان دکتر زرین کوب؛ همراه با زرین کوب در گلشن عرفان اسلامی. در پایان کتاب نیز فهرست آثار، تحقیقات و ترجمه‌های دکتر زرین کوب درج شده است.

◊ عیار نقد در آینه: یادنامه عبدالعلی دستغیب

محمد برداران، چاپ اول، داستان سرا، شیراز، ۱۳۸۳، ۳۶۴ص، رقی.

این مجموعه مشتمل بر نوشته‌ها و مقالاتی است به مناسبت یادنامه عبدالعلی دست‌غیب که در زمینه نقد ادبی نوشته‌هایی دارد، برخی از این مقالات عبارتند از: نواندیشی‌های دستغیب در شناخت حافظ؛ دقت در گزینش، شکیبا در نقد؛ حاشیه‌ای کمرنگ بر متنی بزرگ؛ خشت بر خشت تا آینه؛ جراح روح ادبیات داستان؛ دستغیب: تلاش در جهت تثبیت نقد ادبی؛ ادای احترام به یک منتقد ادبی. در بخش پایانی کتاب نیز برخی نوشته‌های دستغیب درباره دیگران ذیل عناوینی از این دست فراهم آمده است: فردوسی و انگیزه او در آفرینش؛ حافظ و زبان رمز در شعر او؛ نیما یوشیج؛ با نگاهی به منظومه افسانه؛ فروغ فرخزاد و جنبه‌های دوگانه عشق و بیم زوال در شعر او؛ سید محمدعلی جمالزاده؛ با نگاهی به رمان یکی بود یکی نبود و زندگی و شعر فدریکو گارسیا لورکا.

